

بررسی کارآیی بانکهای تجاری در ایران و عوامل نهادی مؤثر بر آن

هادی امیری*

مجتبی رئیس صفری**

چکیده

در این مقاله ضمن ارائه و تحلیل نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه کارآیی بانکهای تجاری، شاخص عدم کارآیی در مورد بانکهای صادرات و سپه محاسبه می‌شود. هدف‌گذاری بانکها در جهت جذب هر چه بیشتر سپرده، به عدم کارآیی آنها منجر شده است. سیاست‌گذاری اغلب بانکها در جهت افزایش دارایی‌های ثابت درست نیست. در زمینه نیروی انسانی نیز سیاست‌گذاری‌های نظام بانکی قابل نقد است. در ادامه مقاله با بهره‌گیری از ادبیات نهادگرایی به بررسی مهم‌ترین عوامل محیطی و نهادی مؤثر بر نظام بانکی ایران می‌پردازیم. محیط اقتصادی و سیاسی ایران محدودیتهای زیادی بر بانکها تحمیل نموده است. نحوه حکمرانی موجود در نظام بانکی ایران

* دانشجوی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه تهران.

** کارشناس اقتصادی و کارمند بانک سپه.

قادر به ایجاد شرایط لازم برای حفظ حقوق سپرده‌گذاران نیست. از این‌رو برای تکمیل فرآیند اصلاحات نظام مالی ایران، توجه به شرایط نهادی و بهبود حکمرانی در نظام بانکی ضروری است.

واژگان کلیدی:

کارآیی، نظام بانکی، بانکداری بدون ربا و اقتصاد ایران.

مقدمه

کارآیی یکی از مهم‌ترین شاخصهای ارزیابی عملکرد بهینه واحدهای اقتصادی است. هر چند تعاریف متعددی از کارآیی ارائه می‌شود؛ اما وجه اشتراک آنها این است که بنگاهی کارآست که از ترکیب داده‌های معین بیشترین ستانده را به دست آورد. اگر اثرات منفی فعالیت‌های بنگاه نیز به صورت ستانده منفی در نظر گرفته شود، تعاریف متفاوت کارآیی شبیه یکدیگر می‌شوند. با استفاده از این رویکرد می‌توان «کارآیی داخلی بنگاه» (کارآیی خصوصی) و «کارآیی خارجی» (کارآیی اجتماعی) آن را تفکیک نمود. کارآیی داخلی به بهینه بودن اقدامات بنگاه با فرض محدودیت‌های نهادی وارده بر بنگاه مربوط می‌شود. بدین معنی که بنگاه در شرایط موجود چگونه عمل کرده است؟ کارآیی خارجی به بهینه بودن اثرات فعالیت‌های بنگاه در اقتصاد مربوط می‌شود. به عبارت دیگر منافع خصوصی در کارآیی داخلی و منافع اجتماعی در کارآیی خارجی مدنظر قرار می‌گیرد. اینکه چگونه می‌توان کارآیی خصوصی را در راستای کارآیی اجتماعی قرار داد، یکی از موضوعات اساسی اقتصاد است.

«اسمیت» که از او به عنوان پدر علم اقتصاد یاد می‌شود، نشان داد که دست نامرئی بازار رقابتی این همگرایی را به وجود می‌آورد و نیازی به دخالت در اقتصاد نیست. با توجه به این رویکرد که به اقتصاد کلاسیک معروف است، دخالت دولت در اقتصاد محدود می‌شود و یکی از وظایف اساسی آن تعیین و حمایت از حقوق مالکیت است. برخی از اقتصاددانان با بسط نظریه شکست بازار و بهره‌گیری از پیامدهای خارجی، برای دولت نقش فعال‌تری قائل شدند. راه‌حل این دسته، تصدی دولت در برخی فعالیتها برای ایجاد کارآیی اجتماعی است. از آنجا که در این نظریات به ابزارهای ایجاد کارآیی داخلی کمتر توجه می‌شد، تصدی‌گری دولت بسیار مورد انتقاد قرار

گرفت. حتی برخی ادعا کردند که امکان حصول به کارآیی خصوصی در تصدی‌های دولتی وجود ندارد. لذا بازگشت مجددی به نظریه‌های بازار آزاد و دولت حداقل به وجود آمد.

در بین این چالش‌های نظری و تجربیات متفاوت اقتصادی، به دست آوردن معیاری که از طریق آن بتوان به انتخاب بین بازار و تصدی دولتی پرداخت، اهمیت زیادی دارد. به نظر می‌رسد دیدگاه نهادگرایی تا حدود زیادی این معیار را فراهم نموده است. در این دیدگاه، شرط حصول به کارآیی، تدارک نهادهای لازم برای این امر است. بنابراین بازار در شرایطی منجر به کارآیی اجتماعی می‌شود که نهادهای متناسب با آن وجود داشته باشد. در شرایط فقدان نهادهای مزبور، بازار توانایی حصول به کارآیی اجتماعی را ندارد. دخالت کارآیی دولت نیز نیازمند نهادهای مربوطه می‌باشد و فقدان این نهادها دخالت دولت را ناکارآمد می‌سازد.

در این مقاله با بهره‌گیری از ادبیات اقتصاد نهادگرا به بررسی شرایط نهادی نظام بانکی ایران می‌پردازیم و در مورد کارآیی داخلی و خارجی بحث می‌کنیم. با توجه به دسترسی نگارندگان به آمار ستاندها و داده‌های بانک صادرات و سپه، کارآیی داخلی این بانکها محاسبه و عوامل مؤثر بر این کارآیی استخراج می‌شوند. سیاست‌گذاری اغلب بانکها در جهت افزایش کارآیی داخلی نیست. ناکارآمدی برخی شعب لزوماً ناشی از دولتی بودن نیست؛ بلکه ناشی از فقدان ساختار مناسب حکمرانی است که با اتخاذ سیاستهای مناسب امکان افزایش کارآیی آنها وجود دارد.

در ادامه مقاله شرایط محیطی نظام بانکی را بررسی می‌نماییم. نشان می‌دهیم که بسیاری از نهادهای موجود مانع کارآیی اجتماعی بانکهاست. این مشکلات نهادی نیز صرفاً با خصوصی شدن بانکها رفع نمی‌شود. بلکه اصلاح فرآیند حکمرانی در نظام بانکی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و متناسب با ظرفیتهای نهادی کشور می‌باشد. عدم توجه به این محدودیتهای نهادی منجر به عقب‌گرد اصلاحات می‌شود. در بخش پایانی با بهره‌گیری از نتایج بخشهای قبل، لازمه حصول همزمان کارآیی خصوصی و اجتماعی در نظام بانکی را اصلاح فرآیند حکمرانی نظام بانکی بر شمرده‌ایم.

۱. ادبیات موضوع

در اقتصاد مفهوم کارآیی نشان‌دهنده تخصیص بهینه منابع است و سنجش کارآیی در دو سطح بنگاه و بازار صورت می‌پذیرد. در بحث تحلیل کارآیی در سطح بازار، بیشتر به کارآیی تخصیصی پرداخته می‌شود و نتایج اقتصادی تخصیص منابع به بخشهای مختلف اقتصاد، با نتایج تخصیص ایده‌آل (بهینه پارتو) مقایسه می‌شود و تخصیص ایده‌آل، منوط به تأمین شرایط بهینه پارتو می‌باشد.

در شرایط بازار رقابتی فرض این است که مدیران بانکها علاقمند و مجبور به حداکثر تلاش جهت دستیابی به بالاترین سطح کارآیی می‌باشند. این فرض با ارائه نظریه بنگاه «کوز^۱» و نظریه‌های مربوط به مسئله کارگزار- کارفرما مورد مناقشه قرار گرفت. کوز نشان داد برای رسیدن به کارآیی، ساختار سازمان‌دهی بنگاه مهم است. به نظر ایشان در تحلیل تئوری سازمان، قواعد حکمرانی شرکتی^۲ و کنترل مدنظر می‌باشد. درحالی‌که نظریه‌های نئوکلاسیکی اقتصاد از آنها غافل شده‌اند.

هرچند مسئله کارفرما- کارگزار توجه برخی از اقتصاددانان را به خود جلب کرد؛ اما با ارائه نظریه «انتخاب عمومی^۳» توسط «بوکانن^۴» و «داونز^۵» به عنوان یک بخش فرعی از این رویکرد جدید فروغ کمتری یافت. در تئوری انتخاب عمومی مسئله کارفرما - کارگزار به صورت اثباتی در بطن نظریه‌های دولت (به عنوان یک ابر سازمان) بسط داده شد. در اینجا نیز اهمیت ساختارهای حکمرانی بیش از پیش مورد تأکید قرار گرفت. نشان داده می‌شود که تنها با تعریف صحیح قواعد بازی قادر به هم‌راستاسازی کارآیی خصوصی و اجتماعی هستیم. تأکید بوکانن بر قانون اساسی به عنوان سرمنشأ قواعد بازی از این جهت می‌باشد. در بخشهای بعدی این مقاله کارآیی نظام بانکی ایران را از این زاویه مورد توجه قرار می‌دهیم.

- 1 - Coase.
- 2 - Corporate Governance.
- 3 - Public Choice.
- 4 - Buchanan.
- 5 - Downs.

۱-۱. سنجش کارایی در بانکداری

«برگر^۱» و دیگران، اصطلاح «عدم کارایی X»^۲، را نوعی معیار برای سنجش کارایی بانکها معرفی نمودند که بر اساس فرق بین میزان هزینه واقعی تحقق یافته و حداقل هزینه ممکن محاسبه می شود. این عدم کارایی در اصل میزان انحراف از شاخص قیاس را تعیین می نماید. تاکنون مدلها و روشهای مختلفی برای سنجش کارایی ارائه شده است. به طور کلی دو روش متمایز تحت عناوین پارامتریک و غیرپارامتریک استفاده می شود. همچنین درباره نحوه منظور نمودن ستاندها و دادهها در مدلها، «نگرش واسطه ای^۳» و «نگرش تولیدی^۴»، به چشم می خورد.

از آنجا که تکنولوژی تولید به ویژه در بخش خدمات ناشناخته است، عدم کارایی می بایست با معیاری مقایسه و اندازه گیری شود. این معیار معمولاً هزینه یا تولید شاخص و نمونه، از طریق دادهها و ابزارهای آماری به دست می آید. بنابراین اندازه گیری کارایی و یا عدم کارایی در واقع اندازه انحرافات هزینهها یا مصرف دادههای سیستم از سطح حداقلی می باشد که قبلاً از دادههای آماری به دست آمده است. اختلاف در روشهای محاسبه کارایی به طور کلی بستگی زیادی با فروضی دارد که برای محاسبه و یا تخمین این شاخص قیاس به کار برده می شود.

شاخص قیاس، زیرمجموعه کارآ یا استاندارد مشخصی است که برای مقایسه میزان هزینهها یا مصرف دادههای اعضای یک نمونه از آن استفاده می شود. ملاک مقایسه بر مبنای بهترین واحدها یا تابع تولید یا هزینه شاخص قیاس^۵ می باشد. در مطالعات اولیه، توابع شاخص قیاس بر اساس اطلاعات متقابل تخمین زده می شد. در بعضی مطالعات، این شاخص با سری زمانی بر اساس نوعی از تابع متوسط تولید محاسبه شده است. نیز بعضی تحقیقات، توابع متقارن تولید کاب - داگلاس یا سایر توابع تولید را با در نظر گرفتن متغیری که اندازه را نشان دهد، به کار برده اند.

- 1 - Berger.
- 2 - X- inefficiency.
- 3 - Intermediation approach.
- 4 - Production approach.
- 5 - Frontier production or cost function.

روش پارامتریک، بر تخمینهایی از توابع هزینه، سود و تولید تمرکز دارد. با توجه به ارتباط این سه تابع با یکدیگر، در بسیاری موارد تابع هزینه و تابع تولید را مزدوج یکدیگر می‌دانند. در این متدلوژی کاربرد تابع هزینه از سایر توابع به مراتب بیشتر است. این نگرش، از روشهای «مرز تصادفی هزینه»^۱ برای انجام محاسبات استفاده می‌نماید. اساس محاسبه و تخمین در این روش، مدل‌های اقتصادسنجی می‌باشد. اولین مدل‌های تخمینی مرز هزینه^۲ در سال ۱۹۷۷ توسط «ایگنر، لاول و اشمیت»^۳ و همچنین «میوزن و بروک»^۴ ارائه شد. در این متدلوژی، کارآیی یک واحد تولیدی، از مقایسه عملکرد با استاندارد (هزینه‌ها، سود یا میزان تولید) محاسبه می‌شود.

یک مؤسسه به حداقل رساننده هزینه‌ها اگر با عدم کارآیی تکنیکی و تخصیصی مواجه باشد قادر نخواهد بود سطح مشخصی از ستانده‌ها را با بهای معین برای داده‌ها و با حداقل هزینه تولید نماید. بنابراین منبع انحراف بین میزان هزینه یا تولید واقعی با میزان حداقل تخمین زده شده، از روی توابع هزینه یا تولید، می‌تواند ناشی از عدم کارآیی تکنیکی، عدم کارآیی تخصیصی و یا خطاهای تصادفی باشد:

$$\ln TC = \ln TC^* + \varepsilon$$

که $\ln TC$ لگاریتم طبیعی مجموع هزینه‌ها؛ $\ln TC^*$ لگاریتم طبیعی حداقل هزینه‌ها و ε میزان انحراف هزینه واقعی از حداقل ممکن هزینه می‌باشد.

$$\ln Ct + \ln Ca + \ln Cv = \varepsilon$$

$\ln Ct$ افزایش در لگاریتم طبیعی هزینه‌ها متأثر از عدم کارآیی تکنیکی؛ $\ln Ca$ افزایش در لگاریتم طبیعی هزینه‌ها متأثر از عدم کارآیی تخصیصی؛ $\ln Cv$ خطای تصادفی که می‌تواند هزینه‌ها را افزایش یا کاهش دهد. و عبارت $\ln Ct$ و $\ln Ca$ غیرمنفی هستند؛ زیرا عدم کارآیی تکنیکی و تخصیصی هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. بنابراین در این نگرش، یک تابع هزینه استاندارد تعیین و عدم کارآیی در قالب خطا

- 1 - Stochastic Cost Frontier.
- 2 - Cost Frontier.
- 3 - Aigner , Lovell and Schmidt.
- 4 - Meeusen and Broeck.

مشخص می‌شود. در این نگرش عدم کارآیی دارای توزیعی غیرمبتقارن، نیمه نرمال، نمایی، نرمال مقطوع و یا گاما می‌باشد و فقط خطای تصادفی دارای توزیع نرمال و متقارن است (مولینوکس و ...^۱، ۱۹۹۶، ص ۱۷۰).

محدودیت‌های این روش عبارتند از: الف. اجتناب‌ناپذیر بودن فرض یک تابع تولید برای هر صنعت یا نمونه؛ ب. هنگامی که تابع هزینه طراحی و یا تخمین زده می‌شود، فرض این است که بانکها به‌روشی کاملاً کارآ فعالیت می‌نمایند و یا به بیان «بکرز و هاموند^۲» تنها انحرافی که در این مدل‌سازی شناسایی می‌شود خطای تصادفی می‌باشد (مولینوکس و ...، ۱۹۹۶، ص ۱۶۹). ج. فرض نسبتاً غیرقابل انعطاف توزیع نرمال است که به‌طور ضمنی اغلب مشاهدات را در اطراف کارآیی کامل متمرکز می‌نماید (برگر و ...، ۱۹۹۱، ص ۱۱۹). این نحوه نگرش، عدم کارآیی را تا حدودی کمتر از حد برآورد می‌کند و به تلقی «برگر و هامفری» (۱۹۹۱) موجب انحراف سنجش کارآیی برای بسیاری از بانکها و صنایع تولیدی می‌شود.

نتایج مطالعات انجام شده توسط «فارل^۳» (۱۹۵۷)، «فیر، گروسکوف و لاول^۴» (۱۹۸۵) به توسعه شیوه برنامه‌ریزی غیر پارامتریک برای محاسبه کارآیی منجر شد. این شیوه در تحقیقات انجام شده توسط «رنگان و...^۵» (۱۹۸۸)، «آلی و...^۶» (۱۹۸۹)، «فریر و لاول^۷» (۱۹۹۰) و «الیاسیانی و مهدیان^۸» (۱۹۹۰) برای تجزیه و تحلیل عملکرد صنعت بانکداری به‌کار برده شده است. مدل‌سازی غیر پارامتریک مشابه سایر مدل‌های، دارای مزیتها و محدودیت‌های خاص خود است. مهم‌ترین مزیت اساسی این روش این است که ضرورتی به ارائه یک تابع فرضی از پیش تعیین‌شده و محدودکننده به‌عنوان تابع هزینه‌ها است زیرا تعیین شکل صحیح و دقیقی از تابع

- 1 - Molyneux et al.
- 2 - Beckers and Hammond.
- 3 - Farell.
- 4 - Fare Grosskopf and Lovell.
- 5 - Rangan et al.
- 6 - Aly et al.
- 7 - Ferrier and Lovell.
- 8 - Elyasiani and Mehdiان.

هزینه و یا اندازه بهینه نمونه بسیار مشکل است. اساسی‌ترین محدودیت این روش که ناشی از طبیعت غیرپارامتریک آن است، لحاظ نمودن تکنیک تأثیرات تصادفی^۱ در سنجش کارایی یا عدم کارایی می‌باشد. این بدین مفهوم است که احتمال دارد میزان عدم کارایی در هر دوره کمی بیش از واقع برآورد شود. به‌کارگیری تکنیک برنامه‌ریزی خطی در محاسبه کارایی تحت دو فرم خاص قابل بررسی است. این دو فرم به اختصار در زیر بحث شده است:

الف. تحلیل پوشش داده‌ها (DEA): محاسبه کارایی در مدل DEA از مقایسه چند سازمان که با نماد P و ستانده‌های واقعی که با نماد Q_{jp} و داده‌ها که با نماد X_{ip} مشخص می‌شوند، حاصل می‌گردد. مدل DEA ابتدا به تعیین واحدهایی از زیر مجموعه تحت بررسی که نسبتاً کارآ هستند، مبادرت می‌نماید. سپس واحدهایی که نسبتاً غیرکارآ هستند با بهترین واحدهای کارآ^۲ مقایسه می‌شوند تا میزان عدم کارایی آنها مشخص شود. برای مشخص‌تر شدن موضوع، مدل «کالول و دیویس»^۳ (۱۹۹۲) ارائه می‌شود.

$$\text{Maximise } E_p = \frac{\sum_{j=1}^m U_j Q_{jp}}{\sum_{i=1}^n V_i X_{ip}} \quad \text{Subject to : } E_p \leq 1 \text{ for all } p \quad V_i, U_j \geq 0$$

در این مدل V_i و U_j وزنهایی هستند که به داده‌ها و ستانده‌های هر واحد داده می‌شود و مقدار آنها با حل مدل مشخص می‌شود. این مدل می‌بایستی مکرراً به تعداد واحدهای تحت بررسی طراحی و هر بار یکی از واحدها در تابع هدف قرار گیرد تا کارایی نسبی هر یک از واحدها محاسبه شود. کارایی محاسبه شده برای هر واحد یا برابر یک است ($E=1$) که بیانگر کارآبودن نسبی این واحد است و یا کوچک‌تر از یک است ($E<1$) که بیانگر عدم کارایی نسبی آن واحد می‌باشد. واحدهایی که در این مدل کارایی آنها معادل یک تعیین شود، به‌طور نسبی بهترین واحدهای عملیاتی در

- 1 - Random effects.
- 2 - Best practice organization.
- 3 - Colwell and Davis.

مجموعه انتخابی می‌باشند (مولینوکس و...، ۱۹۹۶، ص ۱۷۰ - ۱۷۱).

ب. روش حداقل هزینه ممکن: این روش غیرپارامتریک نیز تا حدود زیادی مشخصات و ویژگی‌های روش DEA را دارد. در این روش نیز برای محاسبه کارآیی کلی از برنامه‌ریزی خطی استفاده می‌شود. اولین قدم در این روش محاسبه حداقل هزینه ممکن برای تولید ستانده‌های یک مؤسسه خاص در مقایسه با سایر مؤسسات موجود در نمونه تحت بررسی می‌باشد. این مدل برای مواردی که تعدد داده و ستانده وجود دارد مناسب می‌باشد. برای به‌دست آوردن حداقل هزینه ممکن برای هر واحد تحت بررسی، یک مدل برنامه‌ریزی خطی به‌شکل زیر طراحی و حل می‌شود:

$$\text{Min } px \quad \text{Subject to : } y \leq z Y, \quad x \geq z X, \quad z \in R_+^k$$

در این مدل y یک بردار m بعدی از ستانده‌های تولید شده توسط مؤسسه تحت بررسی؛ x یک بردار n بعدی از داده‌های به‌کار برده شده توسط واحد مورد بررسی؛ Y یک ماتریس $(m \times k)$ بعدی از ستانده‌های کلیه مؤسسات تحت بررسی (k بیانگر تعداد این مؤسسات می‌باشد)؛ Z بردار فشردگی پارامترها و یا وزنی که به هر مؤسسه یا مشاهده در تعیین حداقل هزینه داده می‌شود و در نهایت نماد p یک بردار n بعدی از بهای متوسط داده‌ها می‌باشد. ارزش تابع هدف در صورت حل مدل بالا بیانگر حداقل هزینه ممکن برای مؤسسه مورد نظر، جهت تولید آن سطح از ستانده‌های مشخص می‌باشد. خارج قسمت حداقل هزینه ممکن هر مؤسسه بر هزینه واقعی تحقق‌یافته در آن واحد، کارآیی کلی نامیده می‌شود.

$$OE = \frac{MC}{C}$$

در این رابطه MC حداقل هزینه ممکن؛ C هزینه واقعی تحقق‌یافته و OE کارآیی کلی در مؤسسه تحت بررسی می‌باشد (آلی و...، ۱۹۸۹، ص ۲۱۲). این مدل ضمن دارا بودن کلیه مزایای مدل‌های غیرپارامتریک، محدودیتهایی تقریباً مشابه مدل DEA با درجه‌ای پایین‌تر دارد. در زمینه اندازه‌گیری داده‌ها و ستانده‌ها نیز در ادبیات و مطالعات بانکی دو نگرش متمایز واسطه‌ای و تولیدی وجود دارد:

نگرش واسطه‌ای: در این نگرش بانکها به‌عنوان یک مؤسسه واسطه خدمات مالی

در نظر گرفته می‌شوند. از نظر «کالول و دیویس» (۱۹۹۲) بانکها به صورت ارائه دهنده خدمات واسطه‌ای از طریق جمع‌آوری سپرده‌ها و سایر بدهی‌ها و تبدیل آنها به دارایی‌های بهره‌دار مانند انواع وامها، اوراق بهادار و سایر سرمایه‌گذاری‌ها فعالیت می‌نمایند (مولینوکس و ... ، ۱۹۹۶ ، ص ۱۵۲).

در این نگرش، ستانده‌ها برحسب واحد پولی هر کشور محاسبه و در مدلها منظور می‌شوند. همچنین مجموع هزینه‌های بانکی، شامل بهره پرداختی برای تجهیز سپرده‌ها نیز می‌شود. به عبارت دیگر در این نگرش، سپرده مشتریان نیز به عنوان یک داده تلقی می‌شود. بنابراین در نگرش واسطه‌ای داده‌ها شامل سرمایه، نیروی کار و سپرده‌ها (به عنوان وجوه قابل پرداخت به صورت وام) می‌شود و ستانده‌ها مجموع مانده وامها و مشارکتها را شامل می‌شود (گرابوسکی^۱ و ... ، ۱۹۹۴ ، ص ۴۴ - ۴۵).

نگرش تولیدی: این نگرش تا دهه ۱۹۸۰ در ادبیات بانکداری حاکم بود. در این دیدگاه و به نظر هامفری بانکها به عنوان تولیدکننده دو نوع خدمت گردآوری و مصرف وجوه تبیین می‌شدند (مولینوکس و ... ، ۱۹۹۶ ، ص ۱۵۲).

در این نگرش برخلاف روش قبلی، بانکها به عنوان تولیدکننده خدمات حسابهای وام و سپرده منظور می‌شوند که برای ارائه خدمات از سرمایه و نیروی کار خود استفاده می‌نمایند. در این روش، اندازه‌گیری ستانده‌ها برحسب تعداد حسابهای خدماتی می‌باشد؛ در حالی که در نگرش واسطه‌ای مبلغ پولی ملاک است. از آنجا که با این نگرش، سپرده‌های مشتریان به عنوان داده تلقی نمی‌شود، بنابراین هزینه بهره پرداختی نیز شامل مجموع هزینه‌های بانکی نمی‌شود. در این نگرش داده‌های هر بانک فقط شامل سرمایه و نیروی کار می‌باشد (گرابوسکی و ... ، ۱۹۹۴ ، ص ۴۴ - ۴۵).

۱-۲. مطالعات تجربی

بررسی و تحقیقات علمی در زمینه کارآیی صنعت بانکداری به ویژه در سالهای اخیر مورد توجه محققان داخلی قرار گرفته است. محققان خارجی سابقه طولانی در

بررسی کارآیی بانکها دارند. از بین تحقیقات نخستین می‌توان به مطالعات «بنستون»^۱ (۱۹۶۵)، «گرینبام»^۲ (۱۹۶۷)، «شرمن و گلد»^۳ (۱۹۸۵)، «بل»^۴ و مورفی^۵ (۱۹۶۸) اشاره نمود. همچنین کارهای انجام شده توسط «برگر، هانویک و هامفری»^۶ (۱۹۸۷) «کلارک»^۷ (۱۹۸۴)، «گیلیگان، اسمیراوک و مارشال»^۸ (۱۹۸۴)، «کولاری و زردکوهی»^۹ (۱۹۸۷) و... از برجستگی برخوردارند. در زیر به تعدادی از این تحقیقات که بیشتر با موضوع این تحقیق ارتباط دارد اشاره می‌شود.

برگر، هانویک و هامفری (۱۹۸۳) داده‌های ۴۱۳ بانک دارای شبکه شعب و ۲۱۴ بانک واحد را غیر از بانکهای بزرگ در نظر گرفتند. در این تحقیق با نگرش تولیدی و واسطه‌ای در مورد داده‌ها و ستانده‌ها و استفاده از روش پارامتریک با توابع ترانسلوگ احتمالی و به‌کارگیری مدل‌های اقتصادسنجی، به بررسی کارآیی پرداخته شده است. از جمله نتیجه‌های تحقیق حاضر این است که به‌کارگیری روشهای متفاوت تقریباً نتیجه یکسانی را ارائه می‌دهد.

«زینوز و سوتیرو»^{۱۰} (۱۹۹۷)، ۱۴۴ شعبه بانک تجاری قبرس را که حدود ۴۵ درصد سپرده‌های محلی را جذب می‌کردند، مطالعه نمودند. در تقسیم‌بندی مکانی شعب آنها به سه دسته شعب شهری (۸۳ شعبه)، شعب روستایی (۴۱ شعبه) و شعب توریستی (۲۰ شعبه) تقسیم شدند و باتوجه به اندازه، آنها به سه دسته بزرگ، متوسط و کوچک طبقه‌بندی شدند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که متوسط کارآیی در شعب شهری، روستایی و توریستی به ترتیب برابر ۹۲/۴، ۸۷/۶ و ۸۸/۵ درصد می‌باشد.

«برک و هال»^{۱۱} کوشیدند با استفاده از روش DEA به تجزیه و تحلیل کارآیی در

- 1 - Benston.
- 2 - Greenbaum.
- 3 - Sherman and Gold.
- 4 - Bell.
- 5 - Murphy.
- 6 - Berger , Hanweek and Humphrey.
- 7 - Clark.
- 8 - Gilligan, Smirlok & Marshall.
- 9 - Kolari and Zardkoochi.
- 10 - Zenios and soteriou.
- 11 - Brak and Hal

بانکهای ژاپن بپردازند. به اعتقاد ایشان مسئله وامها، اثرات بسیار زیادی بر کارایی بانکها در کشور ژاپن دارد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بدهی‌های بسیار بالا تأثیر زیادی بر روی موج ادغام بانکهای بزرگ در ژاپن داشته است.

«دارات»^۱ ضمن معرفی بانکداری بدون ربا در ایران و پاکستان عملکردهای اقتصادی دو کشور، قبل و بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا را بررسی نموده است. ایشان در تحقیقی دیگر کارایی ۸ بانک کویت را در دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۷ با بهره‌گیری از روش DEA اندازه‌گیری کرده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین کارایی هزینه در بانکهای کویت ۶۸ درصد است.

«اتاناسوپولوس»^۲ (۱۹۹۸) کارایی ۵۸۰ شعبه از بانکهای تجاری انگلستان را ارزیابی نموده است. متوسط کارایی هزینه و کارایی بازار شعب مورد بررسی به ترتیب برابر ۰/۵۸ و ۰/۸۵ درصد بوده است. دلایل عدم کارایی به مواردی نظیر اندازه شعب، میزان رقابت، موقعیت بانکی و اندازه حسابها نسبت داده شده است.

در سالهای اخیر مطالعات زیادی مربوط به کارایی بانکها در کشورهای مختلف صورت گرفته است. برگر و هامفری (۱۹۹۷) حدود ۱۳۰ مطالعه در مورد ۲۱ کشور مختلف را به صورت خلاصه آورده‌اند. کارهای اخیر در زمینه کارایی بانکها در دو حوزه وسعت بیشتری یافته است. حوزه اول مربوط به مطالعات بین کشوری می‌شود.^۳ در این مطالعات به مقایسه کارایی بانکها بین کشورها پرداخته می‌شود و برخی از عوامل مؤثر بر این تفاوتها تحلیل می‌شود. حوزه دوم بررسی اثر نوع مالکیت بر اندازه کارایی بانکهاست.^۴ این مطالعات بیشتر در مورد کشورهای در حال گذار است. در این مطالعات کارایی بانکهای چند ملیتی با بانکهای داخلی کشورها مقایسه شده است. به‌طور عموم نتایج نشان می‌دهد که بانکهای خارجی کارآتر از

1 - Darrat.

2 - Athanassopoulos.

3 - e.g. see: Pastor et al., 1997; Altunbas and Chakravarty, 1998; Vander Vennet, 1999; Dietsch and Lozano-Vivas, 2000; Chaffai et al., 2001; Lozano-Vivas et al., 2001; Sathye, 2002.

4 - e.g. see: Buch, 1997; Bonin, Mizsei, Szekely & Wachtel, 1998; Fries & Taci, 2002.

بانکهای داخلی هستند و کشورهایی که اجازه فعالیت بانکهای چند ملیتی را داده‌اند، نظام بانکی کارآتری دارند.

در ایران «برهانی» (۱۳۷۳) با بهره‌گیری از برنامه‌ریزی خطی به محاسبه کارآیی بانکهای تجاری پرداخته است. نتایج به‌دست آمده حاکی از رابطه مثبت بین کارآیی و اندازه، تعداد شعب، سطح تحصیلات کارکنان و سود است و همچنین رابطه منفی بین درصد دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها با کارآیی وجود دارد. لازم به‌ذکر است ایشان به‌علت در اختیار نداشتن اطلاعات مربوط به شعب بانکها، فقط اطلاعات بانک صادرات را در سطح سرپرستی‌های استانی در نظر گرفته‌اند و برای سایر بانکها اطلاعات کلی وارد نموده‌اند. این امر تا حدود زیادی در نتایج تحقیق اثر گذاشته است. به‌منظور واقعی‌تر شدن نتایج تحقیق، بهتر بود مقیاس اعضای نمونه یکسان در نظر گرفته می‌شد. به‌عنوان مثال مقایسه کارآیی کل بانک ملی ایران با کارآیی بانک صادرات سیستان و بلوچستان تا اندازه زیادی از قدرت تحلیل نتایج کاسته است. همچنین در این زمینه واحد تحقیقات بانک کشاورزی تحقیقی را در خصوص یافتن سازمان بهینه برای شعب بانک کشاورزی انجام داده است. در این مطالعه با بهره‌گیری از روش تاکسونومی عددی، رفتار ۱۰۱ شعبه بانک کشاورزی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که شعب با مقیاس بزرگ (شعب ممتاز و درجه یک و دو با تعداد شش و پنج دایره) از نظر حجم تسهیلات اعطایی و جذب منابع پولی فعال‌تر عمل نموده‌اند و در مقابل شعب با مقیاس کوچکتر (شعب درجه سه و چهار با تعداد چهار، سه و دو دایره) تسهیلات را با هزینه کمتر و زمان کوتاه‌تر و در نتیجه سودآوری بیشتری (برای بانک) اخذ نموده‌اند.

پژمان عابدی با استفاده از روش تابع تصادفی به‌دنبال برآورد کارآیی فنی صنعت بانکداری ایران و تشخیص عوامل مؤثر بر آن است. مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش مدل ناکارآیی متغیر با زمان «بتیس و کوئلی» (۱۹۹۲) و مدل ناکارآیی (۱۹۹۵) است. داده‌های مورد بررسی اطلاعات مربوط به ۱۰ بانک کشور برای دوره زمانی ۱۳۶۷-۱۳۷۶ می‌باشد. در تابع تولید مورد تخمین، حجم تسهیلات اعطایی به بخش

خصوصی ستانده بانک و تعداد کارکنان، دارایی‌های ثابت، حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه، سرمایه‌گذاری و سایر سپرده‌های بخش خصوصی همراه با زمان نهاده‌های بانک هستند. نتایج نشان می‌دهد که کارآیی فنی صنعت بانکداری ایران با استفاده از مدل یک $۷۹/۸$ درصد و طبق مدل دو $۷۸/۳$ درصد است.

علیزاده صانع (۱۳۷۸) در مطالعه دیگری به ارزیابی ۱۱۹ شعبه بانک صادرات، با چهار فرض (بازدهی ثابت، متغیر، فزاینده، کاهشنده نسبت به مقیاس) پرداخته است. همه واحدها در تقسیم‌بندی داخلی بانک، در منطقه تهران واقع شده‌اند که متوسط کارآیی در حالت‌های بازدهی ثابت و متغیر نسبت به مقیاس به ترتیب برابر $۰/۷۴$ و $۰/۸۹$ می‌باشد.

ناصر نصیری با استفاده از تحلیل پوشش داده‌ها کارآیی ۱۷۲ شعبه بانک کشاورزی را با فرض‌های بازدهی ثابت و متغیر نسبت به مقیاس با توجه به ویژگی‌های خاصی مانند حوزه عملکرد، دامنه فعالیت و اندازه شعبه بررسی نموده است. وی این شعب را در گروه‌های همگنی طبقه‌بندی نموده و میزان کارآیی فنی و مقیاس واحدها را محاسبه و در نهایت برای واحدهای ناکارآ نیز شعبی را به عنوان شعب مرجع معرفی کرده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که میانگین کارآیی فنی شعب بانک کشاورزی در منطقه ۴ تحت شرایط بازده ثابت و متغیر نسبت به مقیاس به ترتیب برابر $۰/۸۱$ و $۰/۹۴$ و میانگین کارآیی نسبت به مقیاس نیز $۰/۸۶$ بوده است. در حالت بازدهی متغیر نسبت به مقیاس، بیشترین متوسط میانگین کارآیی در میان شعب خدماتی روستایی به میزان $۰/۹۸$ و در حالت بازدهی ثابت نسبت به مقیاس در میان شعب اصلی به میزان $۰/۸۴$ وجود دارد.

۲. برآورد کارآیی بانکداری تجاری در ایران

کارآیی بانکها با روشهای مختلف محاسبه می‌شود. اما مهم‌تر از محاسبه شاخص کارآیی، یافتن عوامل مؤثر بر درجه کارآیی است. همان‌طور که بیان شد شرط معنی‌داری مدل، استقلال متغیرهای مدل از جزء خطاست. متأسفانه در بعضی از تحقیقات بدون توجه به همبستگی متغیرها با جزء خطا برخی نتایج استخراج شده

است. در ادامه ارتباط نتایج را با ساختار حکمرانی نظام بانکی بیشتر تبیین می‌کنیم.

الف: مدل‌های غیرپارامتریک: در مدل اول داده‌های مربوط به سال ۷۷ و ۷۸ بانک صادرات را در مدل برنامه‌ریزی خطی وارد کرده‌ایم. از این طریق کارایی سرپرستی‌های بانک صادرات در استانهای کشور محاسبه شده است. تعداد نیروی انسانی شاغل، ارزش خالص دفتری اموال منقول و غیرمنقول (دارایی‌های ثابت)، کل سپرده‌های مشتریان در هر واحد تحت بررسی در پایان هر سال به‌عنوان داده و وام‌ها و اعتبارات پرداختی، مشارکتها و سرمایه‌گذاری‌ها، خدمات اعتبارات اسنادی و ضمانت‌نامه‌های واحد مورد بررسی به‌عنوان ستانده در نظر گرفته شده است. برای تحلیل اثر سیاست‌گذاری بانکها در کارایی محاسبه شده، سیاستهای بانک در به‌کارگیری نهاده‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. برای این منظور سطح واقعی و بهینه نهاده‌ها، در سال ۷۷ و سیاست بانکها در به‌کارگیری نهاده‌ها در سال ۷۸ مقایسه شده است. از این طریق تأثیر سیاست‌گذاری بانک در کارایی تحلیل شده است.

$$inefficien \quad cy = 1 - Y_e = \frac{P_1(x_1 - x_1^o) + P_2(x_2 - x_2^o) + P_3(x_3 - x_3^o)}{cr}$$

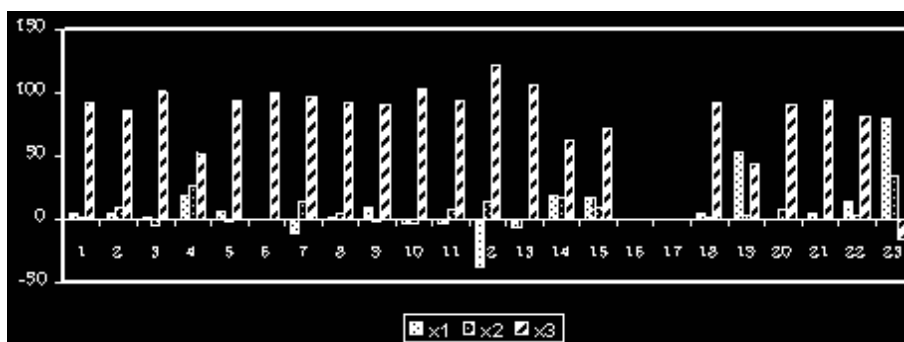
$$inefficien \quad cy = a_1 \Delta x_1 + a_2 \Delta x_2 + a_3 \Delta x_3$$

$$\alpha_1 = \frac{a_1 \Delta x_1}{inefficien \quad cy} * 100$$

$$\alpha_2 = \frac{a_2 \Delta x_2}{inefficien \quad cy} * 100$$

$$\alpha_3 = \frac{a_3 \Delta x_3}{inefficien \quad cy} * 100$$

نمودار ۱: درصد و جهت اثرگذاری نهاده‌ها بر عدم کارایی^۱

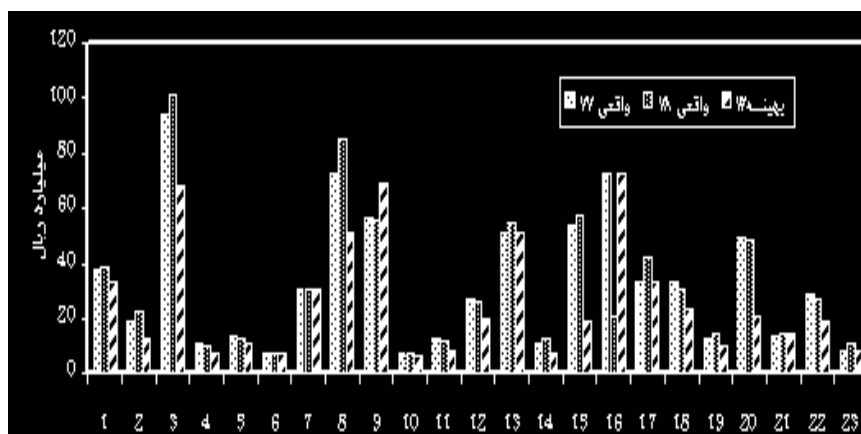


۱- محور افقی در این نمودار و نمودارهای بعدی، شماره بانکهای صادرات است که به‌صورت کد وارد شده

است.

بیشترین تأثیر در عدم کارآیی به دست آمده، به اختلاف از بهینه سپرده‌های بانکها، مربوط بوده است. نتایج به دست آمده برای مسئولین بانکها که با روشهای مختلف و هزینه‌های گزاف سعی در جمع‌آوری سپرده دارند، هشداردهنده است.

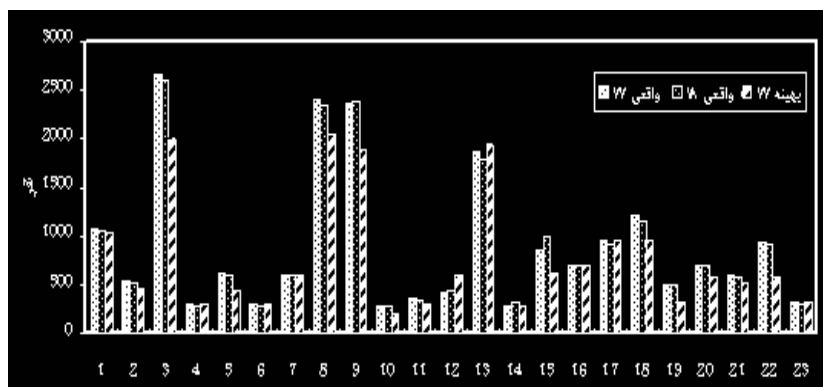
نمودار ۲: مقایسه مقدار واقعی دارایی‌های ثابت سالهای ۷۷ و ۷۸ با بهینه ۷۷



به‌طورکلی افزایش در دارایی‌های ثابت سال ۷۸ نسبت به سال ۷۷ که در اکثر بانکها کم و بیش رخ داده، بر کارآیی بانکها تأثیر مثبتی نداشته و در بعضی بانکها باعث تشدید عدم کارآیی شده است.

نمودار ۳: مقایسه مقدار واقعی به‌کارگیری نیروی انسانی سالهای ۷۷ و ۷۸ با بهینه

۷۷



به‌طور کلی مازاد نیروی انسانی در اکثر بانکها موجب عدم کارآیی بانکها شده است؛ هرچند تأثیر آن از نظر وزنی نسبت به دو عامل دیگر کمتر بوده است. در ضمن برخی از بانکها با نیروی کار کمتر، سطح ستانده‌های قابل قبولی حاصل شده که تأثیر به‌سزایی در افزایش کارآیی داشته است.

نتایج مدل، به‌جز چند بانک، مازاد نیروی انسانی در سال ۷۷ را نشان می‌دهد. سیاست بانکها در زمینه نیروی انسانی در سال ۷۸ که با مقادیر واقعی نیروی انسانی در آن سال مشخص می‌شود، نشان می‌دهد که بانکها هیچ تلاشی در جهت به‌کارگیری بهینه از این داده انجام ندادند و در برخی از بانکها افزایش این عامل منجر به عدم کارآیی این بانکها شده است (پیوست). در مجموع به‌نظر می‌رسد هدف‌گذاری بانکها در زمینه «کسب حداکثر سپرده» (حتی محاسبه کارانه پرسنل نیز بر این اساس) و عدم توجه به نحوه مصرف این وجوه موجب کاهش کارآیی شده است. به‌ویژه آنکه با تغییر ترکیب سپرده‌ها، سبد سپرده‌های بانکها گران‌تر شده است. در بخشهای بعد به دلایل این نحوه هدف‌گذاری نظام بانکی بیشتر اشاره می‌کنیم.

ب: مدل‌های پارامتریک: حال با فرض اینکه هدف بانکها اعطای اعتبارات است، در تحقیق دیگری با استفاده از مدل اول بتیس و کوئلی در سال ۱۹۹۲ (متغیر با زمان) و مدل دوم بتیس و کوئلی در سال ۱۹۹۵ (تغییرات ساختاری) میزان کارآیی ۵۲ شعبه بانک سپه، برای سالهای (۸۰، ۸۱، ۸۲) محاسبه و مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین عواملی که بر این کارآیی مؤثر هستند، استخراج شده است.

مدل اول بتیس کوئلی (۱۹۹۲) (مدل کارایی متغیر با زمان): در مدل اول تابع هزینه مرزی تصادفی برای Panel Data در حالت کلی به‌شکل زیر می‌باشد.

$$C_{it} = F(Y_{it}, P_{jit}, \beta) + v_{it} + u_{it}, i = 1, 2, \dots, N$$

C_{it} هزینه کل شعبه i ام در زمان t که از جمع هزینه‌های سود پرداختی، پرسنلی، اداری، استهلاک و... به‌دست می‌آید؛ y_{it} تولید شعبه i ام در زمان t که در اینجا حجم کل تسهیلات غیر تکلیفی اعطایی به بخش خصوصی به‌عنوان تولید (ارائه خدمات) شعبه به‌کار برده می‌شود؛ P_{jit} قیمت نهاده j ام مورد استفاده در شعبه i ام برای

زمان t که یک بردار شامل m نهاده می‌باشد؛ β پارامترهای مدل هستند که باید تخمین زده شوند؛ v_{it} جمله خطا (پسماند) نرمال شعبه i ام؛ u_{it} جزء ناکارآیی شعبه i ام در زمان t که به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$u_{it} = \{e \times p[-\eta(t-T)]\} u_i$$

η پارامتری است که باید تخمین زده شود. این مدل که اولین بار توسط بتیس و کوئلی در سال ۱۹۹۲ معرفی شد، مدل کارآیی متغیر با زمان نامیده می‌شود. در این مدل فرض می‌شود کارآیی بنگاه i ام در طول زمان تغییر می‌کند.

مدل دوم: مدل بتیس کوئلی (۱۹۹۵) (مدل اثرات ساختاری): این مدل که اولین بار در سال ۱۹۹۵ توسط بتیس و کوئلی مورد استفاده قرار گرفت. برای تحقیق حاضر به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$C_{it} = F(y_{it}, P_{jit}, z_i; \beta) + v_{it} + u_{it} \quad v_{it} \approx N(0, \sigma_v^2)$$

که کلیه علائم به کار رفته همانند مدل قبل و z_i بردار ویژگی‌های خاص هر شعبه می‌باشد که به طور مستقیم در داخل مدل آورده می‌شود و u_{it} با توزیع نرمال منقطع به صورت زیر تعریف می‌شود.

$$u_{it} = z_{i\delta} + w_{it} \quad u_{it} \approx N(z_{i\delta}, \sigma^2 a)$$

w_{it} متغیر تصادفی با توزیع نرمال منقطع که دارای میانگین

صفر و واریانس σ_w^2 می‌باشد u_i و v_i از همدیگر مستقل اند و δ پارامترهای z_i می‌باشد که در داخل مدل تخمین زده می‌شود. این مدل فرض می‌کند که ناکارآیی در قالب متغیرهای توضیحی - که بیانگر ویژگی‌های خاص هر شعبه می‌باشد - قابل توضیح است. در این حالت فرض می‌شود که شعبات بانک دارای تفاوت‌های ساختاری با همدیگر هستند و این ویژگی‌های خاص هر بنگاه بر کارآیی بنگاه مؤثر می‌باشد. تابع هزینه مرزی تصادفی انعطاف‌پذیر ترانسلوگ که در آن جزء ناکارآیی به وسیله مدل بتیس و کوئلی (۱۹۹۲) و مدل بتیس و کوئلی (۱۹۹۵) تعریف می‌شود به شرح ذیل در نظر گرفته شده است.

$$\log c_{it} = \beta_o + \beta_q \log q_{it} + \sum_{j=1}^4 \beta_j \cdot \log P_{jit} + \frac{1}{2} \beta_{qq} (\log q_{it})^2 + \frac{1}{2} \sum_{j=1}^4 \sum_{k=1}^4 \beta_{jk} \log P_{jit} \log P_{kit}$$

$$\begin{aligned}
& + \sum_{j=1}^4 \beta_{qj} \log q_{it} \log P_{jit} + \beta_s \log s_{it} + \beta_{qs} \log q_{it} \log s_{it} + \sum_{j=1}^4 \beta_{js} \log P_{jit} \log s_{it} \\
& + \frac{1}{2} \beta_{ss} (\log s_{it})^2 + \vartheta_{it} + u_{it} \quad j \geq k
\end{aligned}$$

که در آن زیرنویسهای i و t بیانگر شعبه و زمان؛ $\log c$ لگاریتم هزینه کل؛ $\log q$ لگاریتم ستانده شعبه است که در این تحقیق حجم کل تسهیلات اعطایی غیرتکلیفی می‌باشد؛ $\log P_1$ لگاریتم دستمزد متوسط سالانه پرداختی به هر نفر نیروی کار؛ $\log P_2$ لگاریتم متوسط سود پرداختی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار (کوتاه‌مدت، بلندمدت) که نرخ متوسط سود پرداختی از تقسیم کل سود پرداختی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بر حجم سپرده‌های سرمایه‌گذاری به دست می‌آید؛ $\log P_3$ لگاریتم نرخ متوسط استهلاك دارایی ثابت که از تقسیم کل هزینه استهلاك بر ارزش کل دارایی‌های ثابت شعبه به دست می‌آید؛ $\log P_4$ لگاریتم نرخ هزینه‌های اداری که از تقسیم کل هزینه‌های اداری بر کل تسهیلات اعطایی غیرتکلیفی حاصل می‌شود؛ $\log s$ لگاریتم شبه نهاده ثابت سپرده‌های قرض‌الحسنه است.

هزینه‌های کل شعبه بانک نیز از مجموع هزینه‌های پرسنلی، هزینه سود پرداختی به سپرده‌های مدت‌دار، هزینه استهلاك دارایی‌های ثابت، هزینه‌های اداری و... تشکیل شده است. با برآورد پارامترهای مدل، کارآیی شعب بر اساس مدل اول در سالهای ۸۰، ۸۱، ۸۲ به ترتیب ۷۸ و ۷۵ و ۷۱ درصد بوده که این میزان برای مدل دوم ۶۷/۵ درصد می‌باشد (پیوست).

ناکارآیی شعب تابعی از ویژگی‌های خاص هر شعبه از جمله تحصیلات کارکنان آن شعبه، درصد عدم وصولی تسهیلات مربوط به شعبه و درجه مکانیزاسیون و اندازه شعبه در نظر گرفته شده است:

$$\begin{aligned}
u_{it} &= \delta_0 + \delta_1 Z_{1it} + \delta_2 Z_{2it} + \delta_3 Z_{3it} + \delta_4 Z_{4it} + w_{it} \\
u_{it} &= -0/24 Z_{1it} + 0/13 Z_{2it} - 0/25 Z_{3it} + 0/19 Z_{4it} \\
& \quad (-1/53) \quad \quad \quad 6/54 \quad \quad \quad (5/11) \quad \quad \quad (4/84)
\end{aligned}$$

Z_1 تحصیلات کارکنان شعبه: نتایج رگرسیون نشان می‌دهد تحصیلات کارکنان شعب با کارآیی رابطه معنی‌داری ندارد. این نتیجه ناشی از تخصصی نبودن مشاغل

در شعب مورد بررسی است؛ Z_2 درصد عدم وصولی شعب بر کارآیی آنها تأثیر منفی دارد. میزان تأثیرگذاری قابل ملاحظه می‌باشد، بنابراین در امر اعطای تسهیلات توجه لازم به توان بازپرداخت صورت نمی‌گیرد؛ Z_3 درجه مکانیزاسیون شعب با کارآیی رابطه مثبت دارد. بنابراین با مدرن‌تر شدن شعب کارآیی آنها افزایش می‌یابد. Z_4 اندازه شعب با کارآیی رابطه منفی دارد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که شعب بزرگ‌تر ناکارآمدتر عمل نموده‌اند. این موضوع در مدل مربوط به بانک صادرات نیز مشاهده شد.

بر اساس میزان کارآیی به دست آمده از مدل اول و دوم، ناکارآیی شعب در طول زمان افزایش یافته است. به طوری که براساس مدل اول میزان کارآیی از ۷۸ درصد در سال ۸۰ به ۷۱ درصد در سال ۸۲ رسیده است و علت این امر رشد سپرده‌های دریافتی می‌باشد. در این زمینه باید به این نکته توجه کرد که در اکثر کشورهای پیشرفته مثل ژاپن در بخش اعطای تسهیلات از گروه‌ها و متخصصان ماهر اقتصادی در جهت بازاریابی و ارائه تسهیلات استفاده می‌کنند. نکته قابل توجه دیگر مغایرت بین رتبه‌بندی براساس کارآیی و درجه‌بندی براساس ضوابط بانک می‌باشد. در محاسبه کارآیی، اکثر شعب کوچک‌تر دارای کارآیی بیشتر بوده‌اند، از این رو با هزینه کمتر به ارائه تسهیلات پرداخته‌اند، در حالی که اکثر شعب بزرگ‌تر ناکارآتر بوده‌اند. با توجه به اینکه ۸۰ درصد تسهیلات اعطایی در شعب درجه یک پرداخته شده است، بنابراین عدم کارآیی در تخصیص صحیح اعتبارات بیشتر در این شعب نمایان شده است. در مجموع در نظام بانکی ایران معیار درجه‌بندی شعب براساس تابع تولیداتی مثل متوسط مانده، روزشمار مبلغ انواع حسابهای قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز کوتاه‌مدت و بلندمدت، تعداد انواع حسابها، تعداد و مبلغ تسهیلات اعطایی، تعداد حواله‌ها و چک فاکسهای صادره، قبوض آب، برق و... معیارهای صحیحی نیستند. با این معیارها شعبی که دارای بیشترین عملیات و فعالیت خدماتی هستند بدون در نظر گرفتن هزینه مربوط به این خدمات، به‌عنوان شعب درجه بالاتر معرفی شده‌اند.

مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت تغییرات سطح کارآیی شعب در طول

سالهای مورد بررسی می‌باشد که از طریق محاسبه انحراف معیار ناکارایی هر یک از شعب صورت می‌گیرد. انحراف معیار ناکارایی شعب، میزان پراکندگی ناکارایی تخصیصی در طول سالهای مورد بررسی را نشان می‌دهد و هرچه این مقدار کمتر باشد، بیانگر ثبات در وضعیت عوامل مؤثر بر میزان ناکارایی شعب خواهد بود.

۳. رویکرد نهادی به دلایل عدم کارایی نظام بانکی^۱

همان‌طور که در بخش نخست این مقاله اشاره شد، حصول همزمان به کارایی اجتماعی و کارایی خصوصی مناقشات نظری زیادی را به وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین انتقادات به جریان اقتصاد آزاد در نظر نگرفتن شرایط محیطی و نهادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر در بطن نظریه‌های کاملاً اثباتی اقتصاد نئوکلاسیک الزامات نهادی مستتر است که غفلت از آنها منجر به نتایج متفاوت سیاستهای اقتصادی می‌شود.

هر چند توجه به اهمیت نهادها در عملکرد اقتصادی سابقه طولانی دارد؛ اما دامنه این نظریات به مباحث تحلیلی محدود می‌شد. بعد از مقالات دو نوبلیست اقتصادی «نورث^۲» و «کوز^۳»، وارد کردن مباحث نهادی در نظریه‌های اثباتی نیز جایگاه ویژه‌ای یافت.

محور مباحث نهادگرایان جدید بر هزینه‌های مبادلاتی^۴ و عوامل تعیین‌کننده آنهاست. در شرایطی که هزینه‌های مبادله قابل توجه باشند، دستهای نامرئی بازار آزاد از حرکت باز می‌ایستند. بنابراین بازار، بنگاه و دولت سه گزینه متفاوت برای سازمان‌دهی مبادلات اقتصادی هستند که در شرایط محیطی متفاوت می‌توانند کارآترین باشند (نورث، ۱۹۹۱).

۱ - در مقاله دیگری که نگارندگان به سمینار اقتصاد اسلامی ارائه داده‌اند، به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است. آنچه در این بخش آمده چکیده و طرح بحث مقاله مذکور می‌باشد.

2 - North.

3 - Coase.

4 - Transaction Cost.

با بهره‌گیری از این نظریات تحولی چشم‌گیر در شاخه سازمان‌دهی صنعتی و سیاست‌گذاری اقتصادی به‌وجود آمد. در سازمان‌دهی صنعتی در پی یافتن بهترین سازمان‌دهی فعالیت هستیم، به‌نحوی که کمترین هزینه مبادله را متحمل شویم (بهترین حکم‌رانی شرکتی). در این شرایط آگاهی از محدودیتهای نهادی نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب صحیح ما خواهد داشت. در سیاست‌گذاری اقتصادی نیز نقش نهادها در تعیین سیاستهای مناسب برجسته می‌باشد.

شاخه دیگری که به موضوع مورد بررسی در این مقاله مربوط می‌باشد، انتخاب عمومی است. با وجود غفلت کامل نظریه‌های نئوکلاسیک از دولت و اقدامات آن، در این شاخه از علم اقتصاد به بررسی اثباتی دولت و اقدامات آن پرداخته می‌شود. در گرایش قانون اساسی این رویکرد، «بوکانن» شرط حصول کارآیی در بخش دولتی را تصریح مناسب قانون اساسی می‌داند.

در یک جمع‌بندی کلی از نظریات بالا «ویلیامسون»^۱ (۱۹۹۶) هر فعالیت اقتصادی را به یک بازی تشبیه می‌کند که نهادهای رسمی و غیررسمی قواعد آن بازی را تشکیل می‌دهند. فرد براساس قواعد مزبور استراتژی را انتخاب می‌کند که کمترین هزینه مبادله را برای او دارد. در بخشهای بعدی مقاله سعی می‌کنیم با بهره‌گیری از این رویکرد نظری به تحلیل عوامل مؤثر بر کارآیی بانکهای تجاری در ایران بپردازیم.

۱-۳. نقد نظام بانکی ایران از رویکرد نهادی

بانک در ادبیات اقتصادی عملکرد مشخصی دارد. بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی واسطه وجوه مالی است. با وجود اختلاف نظر در دامنه فعالیت‌های بانک، در ماهیت عملکرد آن اختلافی وجود ندارد. براساس تعریف، بازار پول از بازار سرمایه جداست و علی‌رغم تبادلاتی که با هم دارند، هر یک حائز ویژگی‌ها و کارکردهای متفاوتی هستند. به‌طورکلی بانکهای تجاری به‌عنوان بنگاه‌های فعال در بازار پول و مؤسسات سرمایه‌ای و بورس، فعالان بازار سرمایه هستند. براین اساس بانکهای تجاری عموماً سپرده‌های کوتاه‌مدت (حداکثر یک‌ساله) و مؤسسات سرمایه‌ای، سپرده‌های بلندمدت

را تأمین مالی می‌کنند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اکثر بانکهای کشور در آستانه ورشکستگی قرار گرفتند. در این شرایط در ۱۷ خرداد ۵۸ بانکها ملی اعلام شدند. در سال ۱۳۶۱ نیز قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد. به موجب این قانون و قوانین دیگر ساختار سازمان‌دهی بانکها تعیین شد.

در فصل دوم قانون بانکداری بدون ربا به خصوص ماده سوم و پنجم، بانکها مجاز به انجام فعالیتهای مربوط به مؤسسات مالی نیز شدند. نوع رابطه بانک با سپرده‌گذاران به صورت وکیل و موکل تعریف شد. این نوع رابطه در نظام بانکداری مرسوم وجود نداشت. براین اساس عقود جدیدی ارائه و بانکها ملزم به فعالیت در قالب این عقود شدند. جدول ۱ عملکرد نظام بانکی را در هر یک از عقود نشان می‌دهد.

جدول ۱. سهم مانده تسهیلات اعطایی بانکها به بخش غیردولتی بر حسب نوع عقد (درصد)

| سال | ۱۳۷۶ | ۱۳۷۷ | ۱۳۷۸ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ | ۱۳۸۲ |
|---------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|
| فروش اقساطی | ۵۶/۰۱ | ۵۷/۹۵ | ۵۹/۷۰ | ۶۰/۸۶ | ۶۲/۴۸ | ۶۲/۶۸ | ۵۲/۸۴ |
| مضاربه | ۶/۴۰ | ۶/۰۱ | ۶/۲۶ | ۶/۱۵ | ۵/۵۲ | ۵/۶۶ | ۶/۲۰ |
| مشارکت مدنی | ۱۱/۶۴ | ۹/۷۴ | ۱۰/۲۶ | ۹/۸۹ | ۸/۵۹ | ۶/۴۳ | ۱۰/۹۱ |
| قرض الحسنه اعطایی | ۴/۶۰ | ۵/۸۵ | ۴/۵۵ | ۴/۲۴ | ۴/۴۸ | ۷/۱۷ | ۵/۹۹ |
| اجاره به شرط تملیک | ۰/۷۸ | ۰/۶۶ | ۰/۶۱ | ۰/۶۳ | ۰/۶۷ | ۱/۰۶ | ۲/۷۳ |
| معاملات سلف | ۵/۲۵ | ۶/۱۶ | ۶/۶۹ | ۷/۰۱ | ۷/۴۸ | ۶/۷۰ | ۶/۰۷ |
| مشارکت حقوقی | ۴/۷۲ | ۳/۱۲ | ۲/۶۹ | ۲/۲۱ | ۱/۶۳ | ۱/۳۰ | ۱/۶۰ |
| سرمایه‌گذاری مستقیم | ۲/۵۵ | ۱/۷۷ | ۱/۵۰ | ۱/۱۹ | ۰/۹۴ | ۰/۸۱ | ۰/۸۶ |
| جعاله | ۱/۶۰ | ۱/۳۶ | ۱/۶۹ | ۱/۵۶ | ۱/۵۸ | ۱/۴۵ | ۶/۴۴ |
| خرید دین | ۰/۰۲ | ۰/۰۱ | ۰/۰۱ | ۰/۰۱ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | ۰/۰۶ |
| سایر | ۶/۴۵ | ۷/۳۵ | ۶/۰۵ | ۶/۲۴ | ۶/۶۳ | ۶/۷۲ | ۶/۳۱ |

منبع: سیف، ۱۳۸۴

همان‌طورکه در جدول مشاهده می‌شود، سهم عقود مشارکتی پایین و رو به کاهش بوده است. دلایل متعددی برای این کاهش ارائه می‌شود. از مهم‌ترین دلایل این کاهش سهم می‌توان به عدم سنخیت این نوع عقود با ماهیت فعالیت بانک اشاره کرد. بنابراین با وجود اینکه قانون بانکداری بدون ربا ماهیت متفاوتی برای بانکها در ایران تعریف کرده؛ اما عملکرد آن بیشتر به نظام بانکی در اقتصاد مرسوم نزدیک است. در ادامه مقاله به ارائه دلایلی برای این انحراف عملکرد از اهداف اشاره می‌کنیم.

۲-۳. عوامل محدودکننده نظام بانکی

در این بخش به برخی ویژگی‌های خاص نظام اقتصادی ایران که بر کارکرد صحیح و کارآی نظام بانکی مؤثر است، پرداخته می‌شود. همان‌طورکه بیان شد شرط هم‌راستایی کارکرد خصوصی و اجتماعی، فراهم کردن نهادهای لازم اعم از رسمی و غیررسمی و رفع محدودیتهای محیطی است. مهم‌ترین مسئله برنامه‌ریزی اقتصادی نیز شناخت مسیر رسیدن به این بسترها و روش رفع تدریجی محدودیتهاست.

الف. عدم تعادل ساختاری در بخشهای اقتصادی: درآمدهای نفتی شوکهای مختلفی به بخشهای اقتصاد ایران وارد نموده است. بخش صنعت به‌واسطه این درآمدهای عظیم به‌سمت جایگزینی واردات سوق داده شده است. به‌دلیل فراهم نبودن بسترهای لازم برای رشد بخشهای صنعتی، اکثر بنگاه‌های فعال در این صنعت در دوران نوزادی ماندند و فرصت بلوغ و بالندگی نیافتند. البته سهولت کسب درآمدهای نفتی و امکان واردات کالاهای واسطه‌ای و مصرفی در انگیزه این واحدها برای ماندن در دوران نوزادی بی‌تأثیر نبوده است. در این میان، به‌دلیل لزوم استخراج و صادرات نفت، این بخش بیشترین سرمایه‌گذاری خارجی را به‌خود اختصاص داده است.

با حرکت اقتصاد از تولیدمحوری به توزیع‌محوری، بخش خدمات گسترش یافت و سهم بسیار بالایی از تولید ملی را به‌خود اختصاص داد. بخش کشاورزی نیز فراز و نشیبهای فراوانی دید. بنابراین با وارد شدن درآمدهای نفتی، فرصتهای اقتصادی بخشهای اقتصادی ایران به‌ویژه بخش خدمات بیشتر تحت تأثیر عوامل برون‌زا قرار گرفتند. ورود درآمدهای نفتی بسیاری از سازوکارهای توزیع فرصتهای اقتصادی را

تحت تأثیر قرار داده و مکانیزمهای ویژه‌ای را به‌وجود آورد. این کانالهای توزیع فرصتهای اقتصادی در اقتصاد رانتهی، کانالهای توزیع مرسوم را تضعیف می‌نماید(مهدوی^۱، ۱۹۷۰). پس از مروری کوتاه بر اقتصاد ایران وضعیت محیطی را که نظام بانکی در آن فعالیت می‌کند، بررسی می‌کنیم.

ب. شرایط انحصاری بانکها و وظایف محوله: به‌دلیل عدم گسترش بازارهای مالی غیربانکی، بانکها بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بخش بازار پول و سرمایه ایران هستند. نظام بانکی حدود ۹۳ درصد کل نقدینگی جامعه را به‌صورت سپرده جذب نموده است.

جدول ۲. مبالغ و نرخ رشد نقدینگی و مانده کل سپرده‌های سیستم بانک

(میلیارد ریال/ درصد)

| سال | کل سپرده‌های سیستم بانکی | نقدینگی | نرخ رشد سپرده‌های سیستم بانکی | نرخ رشد نقدینگی | سهم سپرده‌های سیستم بانکی از نقدینگی |
|------|--------------------------|----------|-------------------------------|-----------------|--------------------------------------|
| ۱۳۷۶ | ۱۱۸۹۰۶/۱ | ۱۳۴۲۸۶ | ۱۵/۰۷ | ۱۵/۲۱ | ۸۸/۵۵ |
| ۱۳۷۷ | ۱۴۱۴۶۲۸/۴ | ۱۶۰۴۰۲ | ۱۹/۱۱ | ۱۹/۴۵ | ۸۸/۳۰ |
| ۱۳۷۸ | ۱۷۰۵۶۹/۹ | ۱۹۲۶۸۹/۲ | ۲۰/۴۳ | ۲۰/۱۳ | ۸۸/۵۲ |
| ۱۳۷۹ | ۲۲۳۹۵۲/۴ | ۲۴۹۱۱۰/۷ | ۳۱/۳ | ۲۹/۲۸ | ۸۹/۸۶ |
| ۱۳۸۰ | ۲۹۱۷۶۸/۶ | ۳۲۰۹۵۷/۳ | ۳۰/۳۸ | ۲۸/۸۴ | ۹۰/۹۱ |
| ۱۳۸۱ | ۳۸۲۷۴۳/۹ | ۴۱۷۵۲۴ | ۳۱/۱۸ | ۳۰/۰۹ | ۹۱/۶۷ |
| ۱۳۸۲ | ۴۸۷۸۶۳/۹ | ۵۲۶۵۹۶/۴ | ۲۷/۴۶ | ۲۶/۱۲ | ۹۲/۶۴ |

منبع: ترازنامه بانک مرکزی، سالهای مختلف

بنابر آخرین آمار اعلام شده^۱ نظام بانکی دولتی حدود ۹۳ درصد کل سپرده‌های مردم را جذب کرده است. هرچند بانکهای تجاری و تخصصی متفاوتی این حجم سپرده را دریافت کرده‌اند؛ اما به‌جهت نحوه سازمان‌دهی بیانگر این نکته مهم است که نظام بانکی دولتی یک انحصارگر کامل در نظام مالی ایران است.

با دولتی شدن بانکها حجم وسیعی از عملیاتیهای غیربانکی به نظام بانکی تحمیل شده است. با توجه به اینکه اغلب وجوه مربوط به این عملیاتیها از سپرده‌های مؤثر بانک به حساب نمی‌آیند، توجیه اقتصادی انجام این امور توسط بانکها محل سؤال است. در سال ۸۲ حدود ۲۰۰ میلیون قبض مربوط به آب، برق، گاز و تلفن با هزینه هر قبض ۲۰ ریال، توسط سیستم بانکی دریافت شده است. در ضمن بانک ملی علاوه بر قبوض بالا حدود ۷ میلیون قبض مربوط به گواهینامه، ۱۳ میلیون قبض جریمه و ۱۰ میلیون قبض مربوط به شهرداری نیز دریافت نموده است.

ج. فشار دولت بر بانکها: بعد از ملی شدن بانکها، تصور «ملی شدن با دولتی شدن تفاوتی ندارد» منجر به تبدیل بانکها به ابزار سیاست‌گذاری دولت شد. سیاست‌گذاری حق دولت است؛ اما حوزه سیاست‌گذاری و تصدی‌گری کاملاً متفاوت است. به‌دلیل محدودیتهای دولت در تأمین مالی از اقتصاد داخلی (عدم کارآیی نظام مالیاتی) تصدی دولت بر نظام بانکی روزبه‌روز افزایش یافته است. در برنامه سوم تمهیداتی برای کاهش این تصدی اندیشیده شد. مثلاً براساس ماده ۸۴ کاهش سالانه ۱۰ درصدی در رشد مانده تسهیلات تکلیفی مدنظر قرار گرفت؛ اما در عمل با تصویب وامهای خوداشتغالی موضوع ماده ۵۶، تا حدودی این سیاست کم اثر شد. در جدول دو بدهی‌های دولت به سیستم بانکی آورده شده است.

همان‌طورکه در جدول ملاحظه می‌شود، دولت و مجلس هر ساله به‌موجب تبصره‌های بودجه‌ای حجم بالایی از سپرده‌های بانک را در اختیار گرفته‌اند. نکته قابل

توجه در مورد این تسهیلات حجم قابل توجه مطالبات معوق و مشکوک‌الوصولی است که به بانکها تحمیل می‌شود. عموماً با توجه به تضمین اصل و سود این سپرده‌ها توسط دولت، اعتبارگیرندگان نسبت به بازپرداخت این اعتبارات کوتاهی می‌نمایند.

جدول شماره ۳. اجزای بدهی بخش دولت به بانکها (میلیارد ریال)

علاوه بر تسهیلات تبصره‌ای، بانکها ملزم به تأمین تنخواه‌گردان دستگاه‌های
مباشر در تهیه کالاهای اساسی هستند. این دستگاه‌ها نیز حجم قابل ملاحظه‌ای از
سپرده‌ها را از بانک خارج می‌کنند. غالباً در تسویه حساب این وجوه در پایان سال
مالی نیز کوتاهی می‌نمایند.

در ردیف سوم جدول بدهی دولت بابت تضمین اصل و سود تسهیلات تکلیفی،
زیان سال قبل بانکها و پرداخت به سهام‌داران سابق بانکها آورده شده است. ردیف
چهارم بدهی دولت بابت اعتباراتی است که بانکها به دستگاه‌های دولتی جهت تسویه
مابه‌التفاوت نرخ ارز پرداخته‌اند، مربوط می‌شود. ردیف پنجم و ششم مربوط به
ضمانت‌نامه‌ها و اعتبارات اسنادی است که بخشهای دولتی از خدمات بانکها استفاده
کرده‌اند ولی وجه آن را نپرداخته‌اند مربوط می‌شود. به دلیل وجود نداشتن بازار
ثانویه برای اوراق قرضه دولتی، ردیف هفتم، اوراق قرضه انباشته شده نزد سیستم
بانکی را نشان می‌دهد. عموماً بانکها در دریافت اصل و سود این اوراق از بانک
مرکزی مشکل دارند.

در مجموع به نظر می‌رسد به دلیل کسری بودجه ساختاری، عمق محدود بازارهای
مالی و تصدی گسترده دولت در بخشهای مختلف اقتصادی ایران، بانکها به ابزار مالی
دولت تبدیل شده‌اند. هرچند اغلب این بدهی‌ها به شکلهای دیگر به نظام بانکی باز
می‌گردد؛ اما هزینه‌های بانک را افزایش می‌دهد.

البته این موارد بارها در مجامع علمی و سیاست‌گذاری مطرح شده است. تأسیس
بانکهای خصوصی، افزایش منابع در اختیار بانکها، کاهش تسهیلات تکلیفی و...
نمونه‌ای از تلاشهایی است که جهت کارآتر کردن شبکه بانکی صورت گرفته است.
هرچند در این مقاله سعی در نقد و بررسی عملکرد این سیاستها نداریم؛ اما مطابق
نظریات نهادگرایی یک چارچوب کلی برای نقد سیاستهای مختلف ارائه می‌دهیم. در
این چارچوب کلی عملکرد واحدهای فعال در اقتصاد را نتیجه یک بازی در نظر
می‌گیریم. اگر استدلال اینست که عملکرد واحد اقتصادی مطلوب نیست، به‌ناچار باید
در قواعد بازی تغییراتی ایجاد کنیم و امکان ارائه استراتژی جدید را به واحد مزبور

بدهیم. به عبارت دیگر سیاستهای اقتصادی از طریق تأثیری که بر استراتژی‌های انتخابی واحدهای اقتصادی دارند مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در مجموع اثرگذاری سیاستهای اقتصادی بر عملکرد واحدهای اقتصادی تابع تغییراتی است که در شرایط بازی به وجود می‌آیند.

۳-۳. شرایط محیطی حاکم بر نظام بانکی

در این بخش از مقاله به اختصار شرایط محیطی حاکم بر نظام بانکی و اثر سیاستهای اقتصادی اخیر بر آنها را مرور می‌کنیم.

الف. محیط اقتصادی: با وجود تمایل قوی برای کاهش تصدی دولت متأسفانه این تصدی کاهش نیافته و کلاف سردرگم خصوصی‌سازی تنها به عنوان ابزاری برای تأمین کسری بودجه و به صورت انتقال بین دولت و بخش عمومی (تأمین اجتماعی، آستان قدس و...) ظاهر شده است. در سالهای اخیر رونق بورس اوراق بهادار نتوانسته عمق بازارهای مالی را افزایش دهد و از همین رو توفیق بنگاه‌ها برای جذب سرمایه از این طریق ضعیف بوده است.

اقتصاد توزیع‌محور هنوز سایه سنگین خود را حفظ کرده و جدال بنگاه‌های اقتصادی برای کسب رانتهای اقتصادی است نه تولید ارزش افزوده. بر همین اساس سوداگری که عموماً در خدمت تولید هم نیست وجه غالب فعالیتها را به خود اختصاص داده است. رکود بازار مسکن، سکه و ارز موجب بهبود نسبی در بازار بورس شده است. اما حجم عظیم نقدینگی موجود در جامعه هنوز به نحو مطلوب به سمت بخشهای تولیدی هدایت نمی‌شود و گاه با به وجود آوردن حبابهایی در بازار سهام، به روند معمولی پیشرفت این بازار آسیب می‌زند.

این شرایط برای نظام بانکی مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده است. انتقال اعتبارات بین بخشهای اقتصادی (عموماً به سمت بخش خدمات و سوداگری) مورد انتقاد بوده است. براساس جدیدترین اطلاعات، نسبت اعتبارات پرداختی به ارزش افزوده بخش کشاورزی (به قیمت جاری) از ۲۸ درصد در سال ۷۶ به ۷۲ درصد در سال ۸۲ رسیده است. نسبت مانده تسهیلات به تشکیل سرمایه ناخالص وضعیت نامناسبتری را نشان می‌دهد. این نسبت از ۳۶۵ در سال ۷۶ به ۴۸۳ در سال ۸۲

افزایش یافته است (رسول اف، ۱۳۸۴). هر چند از این آمارها به نقش نظام بانکی در تأمین نقدینگی بخش کشاورزی استفاده می‌شود؛ اما این نسبتها تا حدود زیادی صوری بودن اختصاص اعتبارات به بخش کشاورزی را نشان می‌دهد.

همان‌طورکه بیان شد حرکت سرمایه در جهت بهره‌مندی از بالاترین بازدهی‌های اقتصادی کاملاً طبیعی است و اگر عدم تعادلهای اقتصادی رفع نشود، ابزارهای کنترلی قابلیت کمی برای برعکس کردن جریان غالب دارند. این توانایی در نظام بانکی ایران به‌شدت محدودتر است، زیرا سازوکارهای نظارتی در اقتصادهای در حال توسعه نظیر ایران از کارآیی پایینی برخوردارند. به اعتقاد نگارندگان مقاله، اصولاً سازوکار حکمرانی بانکها در ایران به‌هیچ‌وجه در جهت ارائه یک نظام کنترلی قوی حرکت نکرده است. به این موضوع در بندهای دیگر بیشتر اشاره می‌شود.

روی دیگری این وضعیت اقتصادی، شفافیت پایین اطلاعاتی و اختفای شدید اطلاعات است. همان‌طورکه در مقدمه مربوط به نظریه نهادگرایی ارائه شد، اطلاعات مهم‌ترین عنصر هزینه مبادلات اقتصادی را تشکیل می‌دهد. با توجه به نقش این هزینه‌ها در تسریع و تسهیل مبادلات اقتصادی، افزایش این هزینه‌ها به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد. اختفای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعات باعث افزایش مخاطرات اخلاقی و انتخابهای معکوس می‌شود. نظام بانکی و به‌ویژه توزیع اعتبارات به‌شدت به درجه شفافیت مبادلات اقتصادی و وضعیت بنگاه‌های اقتصادی بستگی دارد.

در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی بانکها مجبور به گرفتن وثیقه‌های سنگین از متقاضیان می‌شوند که این خود منجر به نارضایتی مشتریان و رو آوردن آنها به بازارهای غیررسمی می‌شود. البته پدیده توزیع اعتبارات از طریق صف و سخت‌گیری در مدارک لازم جهت اخذ وام بیشتر به سیاست غلط توزیع اعتبار در شرایط عدم تعادل ساختاری مربوط است و کمتر به عدم تقارن اطلاعاتی بر می‌گردد.

ب. محیط سیاسی: احزاب سیاسی در ایران به‌ندرت برنامه مشخص اقتصادی دارند. بیشتر بوروکراتها برنامه‌های اجرایی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نحوه تقسیم قدرت اقتصادی و سیاست‌گذاری پیچیده است و نهادهای عمومی غیردولتی با

وجود سطح فعالیت اقتصادی بالایی که دارند، کمتر از سیاستهای دولت تمکین می‌کنند. حتی بوروکراسی دولتی آنقدر گسترده شده است که تمکین‌شان از سیاستهای دولت کاهش یافته و منازعات بخشی بر تمکین از سیاستهای کلی دولت سایه انداخته است. به دلیل وسعت تعریف حوزه وظایف دولت و عدم تفکیک تصدی از حاکمیت و سیاست‌گذاری، مردم نیز انتظارات زیادی از دولت دارند و غالباً نقش محدودی برای بخش خصوصی و حتی تعاونی باقی مانده است.

با توجه به شرایط حاکم و رانتهی بودن اقتصاد، حقوق مالکیت خصوصی کمتر مورد توجه احزاب سیاسی است. با توجه به نقش محوری حقوق مالکیت خصوصی در نظام سرمایه‌داری ساختار حکمرانی دولتی و خصوصی آن به‌نحوی تنظیم شده است که از حقوق مالکیت خصوصی صیانت می‌شود. در نظریات جدید اقتصاد سیاسی با فرض پیگیری نفع خصوصی توسط بخش دولتی، سعی می‌شود قواعد حاکم بر روابط سیاسی به‌نحوی تنظیم شود که مالکیت خصوصی حمایت شود. حتی در نظریات مربوط به حکمرانی شرکتی نیز موضوع اساسی حفظ و صیانت از مالکیت خصوصی است.

همان‌طور که ارائه شد با ملی شدن بانکها و با تصور اینکه ملی بودن با دولتی شدن برابر است، ساختار حکمرانی بانکها به‌صورت کاملاً دولتی تغییر یافت. به‌نحوی که برای بخش خصوصی یا همان سپرده‌گذاران هیچ جایگاهی در نظر گرفته نشد. شورای عالی، هیئت مدیره و سایر ارکان بانکها به‌صورت کاملاً دولتی بنا شد و همین ساختار بیشترین تأثیر را بر نحوه تقسیم اعتبارات بین بخشهای دولتی و خصوصی داشته است.

در جدول ۴ سهم آورده و اعتبارات دریافتی بخش دولتی و غیردولتی نشان داده شده است. البته اگر امکان تفکیک سهم مؤسسات عمومی غیردولتی از بخش خصوصی وجود داشت به وضعیت مناسب‌تری می‌رسیدیم. البته با پذیرش اینکه حدود ۸۰ درصد اقتصاد در اختیار دولت و بخشهای عمومی است. نحوه توزیع اعتبارات بانکها چندان دور از ذهن نیست.

جدول ۴ : سهم اقلام عمده منابع و مصارف بانکها (درصد)

جدول ۵: سهم نهادها از تسهیلات تکلیفی و غیرتکلیفی بانکها
(براساس نمونه‌گیری از ۱۳۸ واحد)

| درصد کل | نوع مالکیت | | | شرح |
|---------|------------|-------|-------|-----------------------------|
| | نهادها | خصوصی | دولتی | |
| ۱۵/۳ | ۱۲/۷ | ۱۶/۱ | ۱۱/۰ | بانکها - تسهیلات تکلیفی |
| ۲۲/۹ | ۱۸/۹ | ۲۶/۰ | ۱۲/۲ | بانکها - تسهیلات غیر تکلیفی |

منبع: نیلی، ۱۳۸۰.

ج. نهادهای رسمی: همان‌طور که بیان شد، با وجود اختلافاتی که بین قوانین مختلف پولی و بانکی ایران (قانون پولی و بانکی سال ۵۱، ملی شدن بانکها، نحوه اداره بانکها و بانکداری بدون ربا سال ۶۱) وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد طرحی نو در زمینه بانکداری برانداخته شده است. البته این طرح نو نیازمند ارائه ساختارهای حکمرانی متناسب نیز بوده است. ساختاری که به نظر می‌رسد با تصور دولتی بانکها به نحو مقتضی در آن دقت نشد. ساختار موجود نه تنها حافظ حقوق مالکیت سپرده‌گذاران نیست، بلکه هیچ سازوکار تدافعی برای مواجهه با دست‌اندازی‌های دائم دولت به سپرده‌های مردم نداشته است. در اغلب سالهای گذشته نرخ بهره منفی عاید سپرده‌گذاران شده است و دغدغه خاطر نظام بانکی برای صیانت از سپرده‌های مردم روزبه‌روز کاهش یافته است.

دولت نیز به واسطه دین خود به نظام بانکی از تعبیه نظامهای نظارتی مؤثر غافل مانده است. بارزترین شاخصه این غفلت، وضعیت نامساعد شاخص کفایت سرمایه در اغلب بانکها حتی بانکهای خصوصی است. از طرف دیگر با مقایسه حجم بدهی دولت و بانکها به بانک مرکزی ملاحظه می‌شود که ابزار نرخ ذخایر قانونی نیز کاملاً بی‌اثر شده است. با تصور بانک مرکزی به‌عنوان بانکدار دولت، بسیاری از وظایف نظارتی آن اجرا نشده است.

جدول ۶: محاسبه نرخ بهره واقعی

منبع: قنبري، ۱۳۸۴.

د. نهادهای غیررسمی: نهادهای غیررسمی مجموعه‌ای از عرف، فرهنگ و سنتها را شامل می‌شود. مهم‌ترین اثر نهادهای غیررسمی وابستگی به مسیر طی شده^۱ است. از اینرو توفیق سیاستهای اقتصادی تا حدود زیادی بستگی به درجه همراهی این نهادها دارد. هرچند انقلاب اسلامی تحولی عظیم در دستگاه سیاسی ایران به وجود آورد؛ اما فرهنگ و سنتها کمترین تغییرات را از انقلاب پذیرفتند. فرهنگ ایرانی اسلامی و خواسته‌های سیاسی دولت‌مردان از دلایل تسریع در امر اسلامی‌سازی بسیاری از قوانین و مقررات می‌باشد. حتی اگر بپذیریم که امکان ارائه ایده‌های خارج از جریان ارتدوکس اقتصاد سرمایه‌داری ممکن است؛ اما ایجاد ساختارهای حکمرانی مناسب در اجرایی شدن طرحهای جدید، حیاتی است. بدیهی است اجرای قانون بانکداری بدون ربا در ظرف نهادی بانکداری مرسوم، تصور صوری بودن قانون بانکداری بدون ربا را در ذهن متبادر می‌کند.

در جریان تحول نهادی وجود نهادها و سازمانهای مکمل ضروری است. از جمله سازمانهای حیاتی برای کارآیی بازارهای مالی، وجود مؤسسات تعیین اعتبار است. این مؤسسات با تعیین ریسک بنگاههای درخواستکننده اعتبار در تسهیل فعالیتهای بازار مالی بسیار مهم هستند. در نظام بانکی ایران این مؤسسات به صورت دولتی و تحت عنوان اداره اعتبارات هر بانک شکل گرفته‌اند. البته بنا به دلایل پیش گفته کارآیی این ادارات بالا نیست و هنوز تا مرحله تخصصی شدن فاصله زیادی دارند. عموماً از نسبت مطالبات مشکوک‌الوصول به کل اعتبارات به عنوان شاخص اندازه‌گیری کارآیی این ادارات استفاده می‌شود. از آنجا که حجم عظیمی از مطالبات مشکوک‌الوصول مربوط به تسهیلات تکلیفی است، این شاخص معنی‌داری خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر کاهش سهم اعتبارات مشارکتی بانکها است، حاکی از کاهش نقش این ادارات در زمینه توزیع اعتبارات بانکهاست.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی

وابستگی دولت به اعتبارات بانکی بارها در مقالات مطرح شده است. نکته مورد نظر این مقاله، آسیبهای نهادی است که از این جانب به نظام بانکی وارد می‌شود. به نحوی که به نقش اصلی آنها در حفاظت از حقوق سپرده‌گذاران تأثیر می‌گذارد.

همان‌طور که بیان شد از جهت انگیزه و اهداف، نظام بانکی ایران با نظام بانکی اقتصاد سرمایه‌داری دارای تفاوت‌های اساسی است. این تفاوتها می‌بایستی در حوزه کارکرد نیز متجلی شود. اما مسئله مهم‌تر اینکه این نظام برای رسیدن به آن اهداف و ایفای کارکردهای مزبور چگونه سازمان‌دهی شده است. آیا سازمان‌دهی مذکور می‌تواند این اهداف و کارکردها را پشتیبانی کند؟

با نگاهی مجدد به قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، قانون ملی شدن بانکها، قانون نحوه اداره بانکها و قانون بانکداری بدون ربا درمی‌یابیم، با وجود تناقضاتی که در برخی موارد دیده می‌شود؛ نظام بانکی از یک شکل سازمانی کاملاً دولتی

برخوردار است. در این شکل سازمانی، نظارت صاحبان سهام خصوصی لحاظ نمی‌شود و شورای عالی و هیئت مدیره و سایر ارکان بانک دولتی هستند و امر نظارت و کنترل را به‌عهده دارند. حال با توجه به بحث‌های ارائه شده، واضح است که عامل و ناظر در نظام بانکی ایران دولتی هستند و دولت نیز به‌جهت تصدی‌گری، قدرت نظارتی و سیاست‌گذاری خود را از دست می‌دهد. این خلأ نظارتی باعث دور شدن نظام بانکی از اهداف و کارکردهای تصریح شده آن می‌شود. بنابراین اجرای قانون بانکداری بدون ربا بدون تمهیدات، سازوکارها و بسترهای نهادی مناسب، به اهداف کارکردهای متناسب منجر نمی‌شود. افزون بر این با رد سازمان‌دهی مرسوم نظام بانکی و عدم ارائه سازوکاری مشخص و کارآ برای آن، از نقش ابزار قدرتمند بازارهای مالی در توسعه اقتصادی کاسته می‌شود.

بسیاری از مشکلات مورد اشاره در این مقاله بارها در مقالات علمی مورد تأکید قرار گرفته‌اند؛ اما نکته مهم نوع برخورد با محدودیت‌های اشاره شده است. به‌نظر می‌رسد برخی از محققان با بهره‌گیری از نظریه‌های نئوکلاسیکی سعی در ارائه سیاست‌گذاری دارند. مهم‌ترین سیاست‌گذاری‌های آنها نیز که به‌نحوی در برنامه سوم متجلی شده است؛ مبتنی بر آزادسازی و محدود کردن نقش دولت است. اما تجربه برنامه سوم نشان داد که دولت قادر به کوچک کردن خود نیست. همچنین تغییر محدودیت‌های اشاره شده به‌دلیل ساختاری بودن و همبستگی آنها با بسیاری از متغیرهای دیگر، زمان‌بر است.

در طول فرآیند اصلاحات ممکن است نیروهای مخالف، جریان را به‌سمت دیگری هدایت کنند، بنابراین محاسبه توان بالقوه جریان اصلاحات و امکان تغییر محدودیت‌های اشاره شده در طراحی مسیر اصلاحات مهم است. به‌نظر می‌رسد توجه به ساختارهای حکمرانی و اصلاح بخشی از ساختارهای مزبور برای تقویت نظارت بر نظام بانکی و صیانت بیشتر از حقوق مالکیت خصوصی ضروری می‌باشد.

در حوزه نهادهای رسمی نیز رفع تناقضات و فراهم‌سازی بستر نهادی مناسب جهت پیاده شدن نظام بانکی متناسب با اقتصاد ایران ضروری می‌باشد. اگر اقدامات

اخیر نظیر خصوصی‌سازی بانکها و آزادسازی بازارهای مالی با نهادسازی‌های لازم پشتیبانی نشود، مجبور به عقب‌گرد در نظام بانکی خواهیم شد.

منابع و مآخذ

۱. امامی میبیدی، علی (۱۳۷۹)، *اصول اندازه‌گیری کارآیی و بهره‌وری*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی، *مجموعه قوانین پولی و بانکی*، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی
۳. برهانی، حمید (۱۳۷۶)، *سنجش کارآیی در بانکهای تجاری ایران و ارتباط آن با تعدادی از ابعاد ساختاری و مالی*، رساله دکتری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. خاوری، محمودرضا (۱۳۸۴)، «بررسی عملکرد سیستم بانکی در تسهیلات تکلیفی و بدهی‌های دولت»، تهران: اولین سمینار دستاوردهای نظام بانکی.
۵. رسول اف، جلال (۱۳۸۴)، «بررسی عملکرد سیستم بانکی در بخش کشاورزی»، تهران: اولین سمینار دستاوردهای نظام بانکی.
۶. سیف، ولی‌الله (۱۳۸۴)، «بررسی عملکرد سیستم بانکی در طرحهای زیربنایی»، تهران: اولین سمینار دستاوردهای نظام بانکی.
۷. عابدی، پژمان (۱۳۷۹)، «تخمین کارآیی فنی صنعت بانکداری»، *پژوهشهای اقتصادی*، شماره ۶
۸. عزیززاده صانع، نیلوفر (۱۳۷۸)، *ارزیابی کارآیی سیستم بانکداری با استفاده از متدولوژی DEA*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
۹. قنبری، حسنعلی (۱۳۸۴)، «بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی بر اقتصاد کشور»، تهران: اولین سمینار دستاوردهای نظام بانکی.
۱۰. کوز، رونالد اچ (تاریخ ترجمه به فارسی: ۱۳۷۶)؛ «ماهیت بنگاه»، *فرهنگ و تعاون*، ترجمه محمد ارجمند، شماره ۲، صص ۴۱-۳۴.
۱۱. مبصر، داریوش (۱۳۷۶)، *ارزیابی دلایل عدم کارآیی نظام بانکی در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۱۲. معاونت امور اقتصادی (۱۳۷۵)، *ارزیابی بانکداری بدون ربا*، تهران: وزارت امور اقتصادی

ودارایی.

۱۳. معینی فیض‌آبادی، محمدرضا (۱۳۷۷)، *اقتصاد نهادگرایی نوین با تأکید بر آرای داگلاس نورث*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۱۴. نادری کزج، محمود (۱۳۸۴)، «بررسی کارایی بانکداری بدون ربا و مقایسه بانکهای غیرربوی با بانکهای ربوی در دنیا»، *پژوهشهای اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰.
۱۵. نصیری، ناصر (۱۳۸۲)، «بررسی کارایی سیستم بانکی با کاربرد تحلیل پوششی داده‌ها»، *پژوهشهای اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰.
۱۶. نورث، داگلاس سی (تاریخ ترجمه: ۱۳۷۹)، *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی*، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران: نشرنی.
۱۷. نورث، داگلاس سی (تاریخ ترجمه: ۱۳۷۷)، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمد رضا معینی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
18. Aigner, D.J., C.A.K. Lovell and P. Schmidt (1977), "Formulation and Estimation of Stochastic Frontier Production Function Models", *Journal of Econometrics*, No.6, P:21-37.
19. Altunbas, Y. and S.P. Chakravarty (1998), "Efficiency measures and the banking structure in Europe", *Economics Letters*, No.60, PP: 205-208.
20. Aly Hassan Y., Richard Grabowski, Carl Pasurka, and Nanda Rangan (1989), "Technical, Scale, and Allocative Efficiencies in U.S. Banking: An Empirical Investigation", *The Review of Economic and Statistics*, PP: 212-218.
21. Athanassopoulos, A. (1998) "Nonparametric frontier models for Assessing the market and cost efficiency of large scale bank branches Network", *journal of money, credit and Banking*, vol. 30, No. 2, PP: 172-192.
22. Battese, G.E. and cora, G.S (1997), "Estmation of a production Frontier Model :With Application to the Pastoral zone of Eastern Australia", *Australian journal of Agricultural Economics*, No.12, PP: 169-179.
23. Bell, F.W., and N.B. Murphy, "Costs in Commercial Banking: A Quantitative Analysis of Bank Behavior and its Relation to Bank Regulation," *Research Report*, No. 41, Federal Reserve Bank of Boston (1968).
24. Benston, G. (1965), "Economies of Scale and Marginal Costs in Banking Operations", *National Banking Review*, No. 2 (June 1965), PP:

507-49.

25. Benston, G. J. (1965) , “Branch Banking and Economies of Scale”, *Journal of Finance*, Vol. 20, PP: 312 - 331.
26. Berger Allen N., and David B. Humphrey(1997), “Efficiency of Financial Institutions: International Survey and Directions for Future Research”, *European Journal of Operational Research*, special Issue on New Approaches in Evaluating the Performance of Financial Institutions.
27. Berger Allen N., and David B. Humphrey(1991), “The Dominance of Inefficiencies over Scale and Product mix Economies in Banking”, *Journal of Monetary Economics*, No. 28, North Holland, PP: 119-132.
28. Berger, A.N., G.A. Hanweck, and D.B. Humphrey(December 1987), “Competitive Viability in Banking: Scale, Scope, and Product Mix Economies,” *Journal of Monetary Economics* , No.20, PP: 501-520.
29. Bonin, John P., Mizsei, Szekely, Istvan and wachtel, Paul(1998), *Banking in Transition economies : developing market oriented banking sectors In eastern Europe*, Edward Elgar Publishing limited, Cheltenham, u.k.
30. Buch, Claudia M., (1997), Opening u.s for foreign banks –why centran and eastern Europe can benefit, *Economics of transition*, 5(2), PP: 339-366
31. Chaffia, M.E., M Dietsch and Lozano – vivos(2001), “technological and environmental differences in the european banking industries ”, *journal of financial services research*, No. 19, 2/3 , PP: 147 – 162.
32. Clark, J., (February 1984), “Estimation of Economies of Scale in Banking Using a Generalized Functional Form,” *Journal of Money, Credit, and Banking*, No.16 , PP: 53-68.
33. Coelle T.J. (1996), “A Guidi to Frontir version 4.1 A Computer Program for stochastic Frontier Production and cost Function Extimation”, *CEP A Working Paper 96/07*, Departmant of Econometrics , University of New England , Armidale.
34. Darat F, Ali (2000), “On The Efficiency of Interest-free Monetary System: Case of Iran and Pakistan” , Seventh annual Conference , Amman- jordan.
35. Darat F, Ali (2002), “Assessing Cost and Technical Efficiency of Banks in Kuwait” , Annual Conference in Cairo, January.
36. Daft Richard L.(1989), *Organization Theory and Design*, Third Edition ,Texas A& M University, P.90.

37. Dietsch M. and a. Lozano – vivas (2000), “ how the environment determines banking efficiency : a comparison between French and Spanish industries”, *journal of banking and finance* , No. 24, PP: 985 – 1004.
38. Dimock Marshal E.(1931), *Free Enterprise*, The Adminstative State Alabama University of Alabama, Press University, P.96.
39. Edwards, F.R.(1977), “Managerial objectives in regulated industries: Expense preference behaviour in banking”, *Journal of Political Economy*, No. 85.
40. Elyasiani E., and Mehdiian S.M.(1990), “A nonparametric approach to measurement of efficiency and technological change : the case of large u.s. commercial banks” , *journal of financial service research* , No. 4, pp: 157-168.
41. Elyasiani E., and Mehdiian S.M.(1990), “Efficiency in the commercial banking industry , a production frontier approach” , *Applied economics* , No. 22, PP: 539-551.
42. Emerson Harington(1912), “The Twelve Principles of Efficiency”, *The engineering Magazine*, New York, P.19.
43. Fama, E. (1980), *Agency Problems and the Theory of the Firm*, in Jensen, M. And Clifford, Smith(1984), *The Modern Theory f Corporate Finance*, McGraw-Hill.
44. Farrel, M.J., (1957), “the measurements of productive Efficiency ”, *journal of the royal statistical society* , No.120, PP:253-281.
45. Fare, R. and S.Grooskopf and C.A.K. Lovell(1985), *The measurement of efficiency of production*, kluwer – nijgoff, Boston, MA.
46. Ferrier , G.D., and Lovell, C.A.K.(1990), “Measuring cost efficiency in banking: economic and linear programming evidence” , *journal of econometrics* , No. 46, PP:229-245.
47. Fitch, Thomas(1993), *Dictionary of Banking Terms*, Barrons, U.S.A.
48. Forsund Finn R.,and Lennaart Hialmarsson(1979), “Frontier Productions Functions and Technical Progress:A Study of General Milk Processing in Swedish Dairy Plants”,*Econometrica*,Vol.47, No.4(July), PP: 883-884.
49. Fries, Steven. And Taci(2002), *Anita, Bnking reform and development in transition economies* , EBRD.
50. Garcia, F.L.(1974), *How to Analyse a Bank Statement*, Bank Study

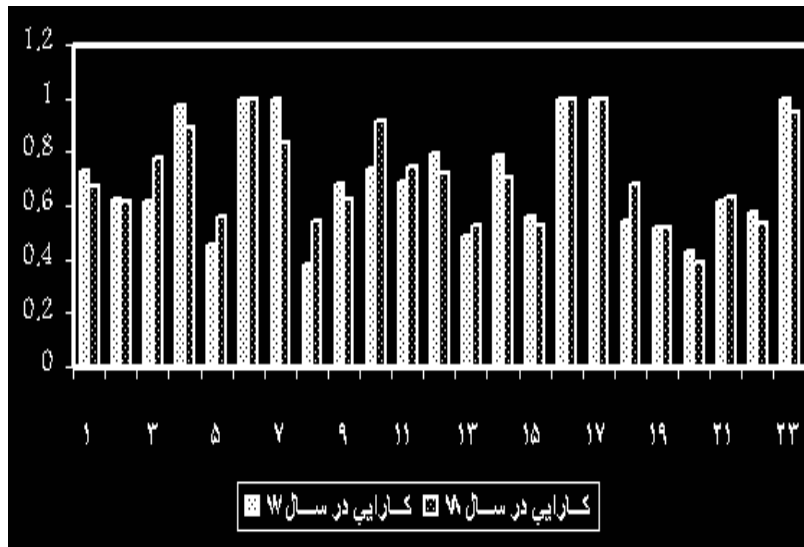
Series, Bankers Publishing Company, Boston, U.S.A.

51. Gilligan, T.W. and M.L. Smirlock (1984), "An empirical study of joint production and scale economies in commercial banking", *Journal of Banking & Finance*, Vol.8, P:67.
52. Grabowski Richard, Nanda Rangan, and Rasoul Rezvanian (1994), "The Effect of Deregulation on the Efficiency of U.S. Banking Firms", *Journal of Economics and Business*, No.46, Temple University, PP: 39-45.
53. Greenbaum, S.I. (1967), "Competition and Efficiency in the Banking System – Empirical Research and its Policy Implications", *Journal of Political Economy*, vol. 75, PP: 461 to 481.
54. Kaparakis Emmanuel L., Stephen M. Miller, "Short-run Cost Inefficiency of commercial Banks: A Flexible Stochastic Frontier Approach", *Journal of Money, Credit, and Banking*, Vol.26, No.4 (November), The Ohio State University Press, 1994, PP: 875-890.
55. Kolari, James and Zardkoobi, Asghar (1987): *Bank Costs, Structure, and Performance*, Lexington Books. Massachusetts .Toronto.
56. Leigh brake & Maximilian J.B. Hall (December 2000), "Efficiency in Japanese Banking: An Empirical Analysis", *Economic Research Paper*, No. 00/25.
57. Mahdavy, Hossein (1970), *Patterns and Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran*, in M. Cook, Ed., *Studies in the Economic History of the Middle-East*, Oxford University Press: Oxford, UK.
58. Meeusen, W. and J. van den Broeck (1977), "Efficiency Estimation from Cobb- Douglas Production Functions With Composed Error", *International Economic Review*, No.18, PP: 435-444.
59. Molyneux Philip, Yener Altunbas, and Edward Gradener (1996), *Efficiency in European Banking*, John Wiley & Sons, England, PP: 10-20, 140-153, 169-171.
60. Mullins Laurie (1993), *Management and Organizational Behaviour*, Third Edition Singapore Publishers, Singapore, PP: 686.
61. Pastor J.M., Francisco, P., and Quesada, J. (1997), "Efficiency analysis in banking firms : an international comparison", *European journal of operational research*, 98(2), PP: 395-407.
62. Sathye, M. (2002), "Measuring productivity changes in Australian banking: An application of Malmquist indices", *Managerial Finance*, No. 28, PP: 48 – 59.

63. Rangan, N., Grobowski, R., Aly , H., and Pasuka, c.(1988), “the technical efficiency of u.s. banks”, *economics letters* , No.28, PP: 169-175
64. Sherman , H.D., Gold,F. (1985), “Bank branch operating efficiency: Evaluation with data envelopment analysis”, *Journal of Banking & Finance*, No.9, P: 297.
65. Vander Vennet, Rudi (1994), “Economies of Scale and Scope in EC Credit Institutions,” *Cahiers Economiques de ruxelles*, No. 144, PP: 507-548.w
66. Williamson, Oliver E(1996), *The Mechanisms of Governance*, New York, NY, Oxford University Press.
67. Zenios. S.A and soteriou, A (1997), “Efficiency, Profitability, And Quality in the provision of banking services”, *working paper the Wharton financial Institution center*.

مقایسه کارایی بانکهای تجاری در سالهای ۷۷ و ۷۸

کارایی شعب بانک صادرات



کارایی شعب بانک سپه

